

نشست استماع

نقشه جامع تمدن اسلامی

(مجمع سرچشمه / تهران)

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

۲۱ بهمن ۱۴۰۲

اللَّهُمَّ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه:

متن پیش‌رو پیاده اولیه سخنان حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست استماع «نقشه جامع تمدن اسلامی» (براساس مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی و در مقایسه با مفاهیم معیوب سند توسعه پایدار ۲۰۳۰) می‌باشد که در تاریخ شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ در مجتمع فرهنگی سرچشمه تهران برگزار گردیده است.

نشست استماع نقشه جامع تمدن اسلامی

نشست استماع نقشه جامع تمدن اسلامی

مقدمه

(ضرورت بحث)

مبتلا بودن دولت‌ها و مسئولین کشور به "مفاهیم ناکارآمد سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار" و در نتیجه ایجاد ناامیدی در توده مردم؛ دلیلی بر لزوم توجه بیشتر مسئولین کشور به مفاهیم کارآمد مطرح در "نقشه جامع تمدن اسلامی"

سوال اول: روش تحقیق در تمدن اسلامی چگونه است؟

روش تحقیق مبتنی بر اشراف
(نه مبتنی بر گزاره‌های بخشی مطرح در
روش تحقیق پوزیتیویستی)

دقیق تر بودن گزارش‌های خالق و مخترع
اشیاء نسبت به گزارش‌های غیرخالق

علیم بودن (دارا بودن علم بسیار گسترده)
خداوند نسبت به تمام امور آشکار و پنهان
عالم (حتی مخفی‌ترین امورات عالم: خطورات
قلبی انسانها)
(إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

دلیل:

سوال دوم: حوزه‌های اصلی جامع تمدن اسلامی کدام است؟ (۹ حوزه)

- امامت و مدیریت و سیاست
- فلسفه علوم، اکتیوها، و طبقه‌بندی دانش
- تزکیه، پاکسازی، طهارت و نظافت
- شغل، مکاسب، اقتصاد و تجارت
- پیشگیری از جرم، عبرت و میراث فرهنگی
- تبلیغات، رسانه، بیان و شعر
- نظم اختیاری، قانونگذاری کم، تنظیم وقت
- ارزیابی، تعریف شاخص و ارتقاء قدرت فرقان در مردم
- پدافند غیر عامل، امنیت و نفی سبیل

سوال سوم: اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی کدام است؟ (۱۲ اولویت)

- تحول در تقسیمات شهری و مدیریت شهری
- تحول در الگوی ساخت مسکن
- تحول در آموزش و پرورش
- تحول در حوزه سلامت
- تحول در مدیریت پایان‌نامه‌ها
- تحول در الگوی تولید کشور
- تحول در الگوی توزیع و ساخت بازار
- تحول در روایت میراث فرهنگی
- تحول در الگوی پیشگیری از جرم
- تحول در الگوی تقنین کشور
- تحول در الگوی امنیت و پدافند غیر عامل
- تحول در الگوی نگهداری از نظام

از اداره شهر براساس تقسیمات بزرگ شهری
به تقسیمات کوچک (محله محوری)

از ساخت آپارتمان به ساخت خانه‌های
حیاط دار (دار و آسعه)

به محوریت تغییر کتب درسی و آموزش
اطلاعات مهارت‌های مرتبط با زندگی

به محوریت پیشگیری از بیماری
(پیشگیری مادرزادی، ساختاری، روزانه و غریب)

فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ۱
- ۱/۱. مبتلابودن دولت‌ها و مسئولین کشور به "مفاهیم ناکارآمد سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار" و در نتیجه ایجاد ناامیدی در توده مردم؛
دلیلی بر لزوم توجه بیشتر مسئولین کشور به مفاهیم کارآمد مطرح در "نقشه جامع تمدن اسلامی" ۱
- ۱/۲. تبیین اجمالی سه سوال مادر مطرح در نقشه جامع تمدن اسلامی ۲
۲. سوال اول: روش تحقیق در تمدن اسلامی چگونه است؟ ۶
- ۲/۱. روش تحقیق مبتنی بر اشراف علمی (نه مبتنی بر گزاره‌های بخشی مطرح در روش تحقیق پوزیتیویستی)؛ روش تحقیق
مطرح در تمدن اسلامی ۶
- ۲/۱/۱. گزاره‌های وحیانی موجود در کتاب خدا و شروع معصومین: بر این گزاره‌ها؛ منابع روش تحقیق مبتنی بر اشراف ۷
- ۲/۱/۲. ارائه دو دلیل برای علت رجوع به کتاب خدا (گزاره‌های مبتنی بر اشراف) به جای رجوع به گزاره‌های بخشی و
پوزیتیویستی: ۷
- ۲/۱/۲/۱. دقیق‌تر بودن گزارش‌های خالق و مُخترع اشیاء نسبت به گزارش‌های غیرخالق؛ اولین دلیل برای علت رجوع
به کتاب خدا ۸
- ۲/۱/۲/۱/۱. گزارش‌های خالق در مورد آب؛ یکی از گزارش‌های خالق در مورد اشیاء ۸
- ۲/۱/۲/۱/۱/۱. گزارش‌های خالق در مورد منابع کشف آب (آبخوان‌ها، زیرکوه‌های بزرگ و آب دریاها (بعد از ظهور))؛ سه
منبع کشف آب طبق گزارش‌های خالق در مورد آب ۸
- ۲/۱/۲/۲. علیم‌بودن (دارابودن علم بسیار گسترده) خداوند نسبت به تمام امور آشکار و پنهان عالم (حتی مخفی‌ترین
امورات عالم: خطورات قلبی انسان‌ها)؛ دومین دلیل برای علت رجوع به کتاب خدا ۱۱
- ۲/۱/۳. دو توصیه مهم: ۱۳
- ۲/۱/۳/۱. توصیه اول: به اساتید و مدیران پایان‌نامه‌ها در دانشگاه‌های کشور: بهره‌گیری از روش تحقیق فقهی و
گزاره‌های مبتنی بر اشراف در حل مسائل و مشکلات کشور ۱۳
- ۲/۱/۳/۱/۱. افزایش اقتناع علمی و "تفاهم" با جامعه + افزایش "کارآمدی"؛ دو نمونه از فوائد روش تحقیق فقهی و
گزاره‌های مبتنی بر اشراف ۱۴
- ۲/۱/۳/۲. توصیه دوم: به حوزه‌های علمیه و اساتید درس خارج: تلاش برای ارتقاء روش تحقیق مرسوم در حوزه‌های
علمیه (قواعد اصول فقه) و بهره‌گیری از "توصیفات شارع" (علاوه بر توجه به کشف "اوامر و نواهی") برای حل مسائل
کشور ۱۴

۲/۱/۳/۲/۱ نکتہ: کلام مشہور گالیلہ و تابعین او (کہ توصیف آفرینش و اشیاء را وظیفہ دانشگاه‌ها می‌دانند) حرفی نادرست و غلط است؛ بلکہ حرف صحیح آن است کہ: اساساً موضوع کتاب و کلام خدا (نہ دہم آن)، توصیف آفرینش است ۱۵

۲/۱/۳/۲/۱/۱ ابتلاء بہ تالی فاسدہای فراوان در تمام تصرفات مبتنی بر روش تحقیق پوزیتیویستی، و عدم ابتلاء بہ تالی فاسد در صورت رجوع و عمل بہ گزارش‌های مبتنی بر اشراف در کتاب خدا؛ دلیلی بر بطلان حرف گالیلہ و تابعین او ... ۱۶

۳. سوال دوم: حوزه‌های اصلی تمدن اسلامی کدام است؟..... ۱۸

- ۳/۱. حوزه مدیریت و سیاست؛ اولین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۱۸
- ۳/۲. فلسفہ علم، ماہیت علم و طبقہ‌بندی دانش؛ دومین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۱۸
- ۳/۳. تزکیہ، پاک‌سازی، طہارت و نظافت؛ سومین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۲۰
- ۳/۴. شغل، مکاسب، اقتصاد و تجارت؛ چهارمین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۲۱
- ۳/۵. پیشگیری از جرم، عبرت و میراث فرهنگی؛ پنجمین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۲۲
- ۳/۶. تبلیغات، رسانہ، بیان و شعر؛ ششمین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۲۳
- ۳/۷. نظم اختیاری، قانون‌گذاری کم، تنظیم وقت؛ ہفتمین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۲۴
- ۳/۸. ارزیابی، تعریف شاخص و ارتقاء قدرت فرقان در مردم؛ ہشتمین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۲۷
- ۳/۹. پدافند غیر عامل، امنیت و نفی سیل؛ نہمین حوزه اصلی تمدن اسلامی ۲۸

۴. سوال سوم: اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی برای دستیابی بہ تمدن نوین اسلامی کدام است؟..... ۳۲

- ۴/۱/۱. عدم تحقق تمدن اسلامی در صورت مدیریت شهری براساس تقسیمات شهری بزرگ ۳۲
- ۴/۱. تحول در تقسیمات شهری و مدیریت شهری؛ اولین اولویت تمدنی ۳۲
- ۴/۱/۲. افزایش هزینه‌های ادارہ شهر، کاهش خدمات حاکمیت بہ مردم، ایجاد چالش در ہویت مردم و ایجاد گمنامی؛ نمونہ‌هایی از عواقب مدیریت شهری بر اساس تقسیمات شهری بزرگ ۳۲
- ۴/۲. تحول در الگوی ساخت مسکن؛ دومین اولویت تمدنی ۳۳
- ۴/۲/۱. لزوم قیام و مخالفت با ساخت آپارتمان در کشور و کمک کارشناسی بہ دولت برای ساخت خانہ‌های حیاطدار (دار واسعہ) ۳۳
- ۴/۲/۱/۱. تفریح بیشتر، تربیت بہتر، نزاع کمتر، زیالہ کمتر، حریم خصوصی بیشتر، معیشت بہتر؛ برخی از فوائد خانہ‌های حیاطدار (دارواسعہ) ۳۳
- ۴/۳. تحول در حوزه آموزش و پرورش و تغییر کتب درسی؛ سومین اولویت تمدنی ۳۴

- ۴/۳/۱. عدم یادگیری اطلاعات و مهارت‌های مرتبط با زندگی در آموزش و پرورش؛ یکی از عوامل لزوم تحوّل در آموزش و پرورش و تغییر کتب درسی..... ۳۴
- ۴/۳/۲. عدم یادگیری اطلاعات مرتبط با پیشگیری از بیماری در آموزش و پرورش؛ یکی دیگر از عوامل لزوم تحوّل در آموزش و پرورش و تغییر کتب درسی..... ۳۴
- ۴/۴. تحوّل در حوزه سلامت (به محوریت پیشگیری از بیماری)؛ چهارمین اولویت تمدّنی..... ۳۵
- ۴/۴/۱. پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی؛ اولین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش انبیاء)..... ۳۵
- ۴/۴/۱/۱. آموزش آداب پنج‌گانه انعقاد نطفه و آداب دوران حمل (طبق دانش انبیاء)؛ دو راهکار برای پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی..... ۳۵
- ۴/۴/۲. پیشگیری ساختاری از بیماری (پیوست طبی برای همه طرح‌های کشور)؛ دومین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش انبیاء)..... ۳۷
- ۴/۴/۲/۱. قراردادن پیوست طبی و سلامت برای همه طرح‌ها و برنامه‌های کشور (مانند: مسکن، جاده، غذا و...); معنای پیشگیری ساختاری از بیماری..... ۳۷
- ۴/۴/۳. پیشگیری روزانه (مناسب با تمام افعال روزانه انسان)؛ سومین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش انبیاء)..... ۳۷
- ۴/۴/۴. پیشگیری از عوامل غریب و ماورائی؛ چهارمین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش انبیاء)..... ۳۸
- ۴/۵. تحوّل در مدیریت پایان نامه‌ها، الگوی تولید کشور، الگوی توزیع و ساخت بازار، روایت میراث فرهنگی، الگوی پیشگیری از جرم، الگوی تقنین کشور، الگوی امنیت و پدافند غیر عامل، الگوی نگرهبانی از نظام؛ بقیه اولویت‌های تمدّنی... ۳۹
۵. جمع‌بندی بحث..... ۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاخُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

۱. مقدمه:

۱/۱. مبتلابودن دولت‌ها و مسئولین کشور به "مفاهیم ناکارآمد سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار" و در نتیجه ایجاد ناامیدی در توده مردم؛ دلیلی بر لزوم توجه بیشتر مسئولین کشور به مفاهیم کارآمد مطرح در "نقشه جامع تمدن اسلامی"

خدمت همه برادران و خواهران گرامی خیر مقدم عرض می‌کنم. همان طور که به استحضار شما رسیده است نشست امروز به استماع نقشه جامع تمدن اسلامی اختصاص دارد. ان شاء الله در دقایق و ساعات آتی مجموعه‌ای از مفاهیم را خدمت شما معرفی خواهیم کرد که خیلی بیشتر از مفاهیم مطرح در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، قدرت حل مسائل کشور ایران را دارا است. ان شاء الله جلسه امروز آغازی باشد بر توجه بیشتر به مفهوم جامعیت اسلام و به نظریات فقهی‌ای که در حوزه علمیه قم مطرح شده است. و من امیدوارم با طرح این مفاهیم و برگزاری این جلسات؛ سطح اتکاء مسئولان محترم جمهوری اسلامی؛ (در سازمان برنامه و بودجه، در مجلس شورای اسلامی، در



دولت محترم جمهوری اسلامی، خصوصاً وزارت اقتصاد) به مفاهیم پوزیتیویستی مطرح در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ کاهش پیدا کند.

واقعیت این است که تقریباً همه دولت‌هایی که در جمهوری اسلامی بر سر کار می‌آیند و همه مجالسی که تصدی قانون‌گذاری را در کشور ما بر عهده می‌گیرند، کم و بیش به مفاهیم ناکارآمد توسعه غربی آلوده می‌شوند! و این ناکارآمدی در مفاهیم، در یک پله بعدتر، به ایجاد ناامیدی در توده مردم تبدیل می‌شود. لذا لازم است همه مسئولان جمهوری اسلامی را دعوت کنیم به اینکه اعتقاد خودشان را به کلمه اسلام بیشتر کنند و سعی کنند بعد از تصدی امر و مسئولیت، سعی کنند که در حوزه خودشان به مفاهیمی که در حوزه‌های مختلف در آیات و روایات مطرح است بیشتر توجه کنند. با امیدواری که به اصلاح برخی از روندها و برنامه‌ها که در جمهوری اسلامی داریم؛ به فضل الهی من در سه قسمت مفاهیم مطرح در نقشه جامع تمدن اسلامی را محضر شما معرفی می‌کنم. بعد از ارائه‌ای که حقیر خدمت شما داشتم، از محضر شما استفاده می‌کنیم و انتقادات و اشکالاتی که هست را می‌شنویم و سعی می‌کنیم که نقشه جامع تمدن اسلامی را کامل‌تر کنیم.

۱/۲. تبیین اجمالی سه سوال مادر مطرح در نقشه جامع تمدن اسلامی

همان طوری که به محضر شما توضیح دادم: نقشه جامع تمدن اسلامی به سه سوال مادر پاسخ می‌دهد. در واقع ما اعتقاد داریم که اگر می‌خواهیم به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم، لازم است حداقل به این سه سوال پاسخ داده شود. اگر ما بتوانیم این سه سوال را به خوبی استماع کرده و سپس در محیط‌های کارشناسی کشور (خصوصاً در سازمان برنامه و بودجه که عملاً فضای اصلی تصمیم‌سازی را در همه برنامه‌ها بر عهده دارد!) زنده کنیم؛ آنگاه به نظر من یک تصحیح ریلی از تمدن مدرنیته و از دیدگاه‌های مبتنی بر توسعه غربی به سمت تمدن اسلامی اتفاق می‌افتد.

بنده این سوالات را بسیار مهم می‌بینم و در این جلسه به اندازه وقتی که هست این سوالات را خدمت شما طرح می‌کنم. البته در یک دهه گذشته به محوریت این سوالاتی که عرض می‌کنم، مکتوبات فراوانی در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تولید شده است؛ می‌شود به آن مکتوبات هم رجوع کرد تا درک خودمان را از این سوالات مادر و پایه ارتقا بدهیم.



سوالات اصلی که به نظر ما بدون توجه به آنها نمی‌توانیم تمدن اسلامی را بسازیم بر ترتیب عبارت از این است:

سوال اول: روش تحقیق در تمدن اسلامی چگونه است؟

روش تحقیق در تمدن اسلامی چگونه است؟ یعنی وقتی ما داریم برای حل مسائل و مشکلات جامعه مطالعه می‌کنیم؛ آیا از همین روش تحقیق پوزیتیویستی استفاده می‌کنیم؟ یا اینکه نه؛ قائل هستیم به اینکه نیاز به یک روش تحقیق جدید داریم؟ این سوال اولی است که در این جلسه به آن خواهیم پرداخت.

اعتقاد شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی این است که اگر تحوّل در روش تحقیق ایجاد نشود، نمی‌توانیم آنچنان که باید به سمت تمدن اسلامی حرکت کنیم. چون اساسا روش تحقیق‌های پوزیتیویستی و تجربه‌محور نمی‌توانند مفاهیم مورد نیاز برای ساخت تمدن اسلامی را در اختیار ما قرار بدهند.

بنابراین با این سوال، ما با برخی از جریان‌هایی که معتقدند با همین روش تحقیق‌ها و با همین پایان‌نامه‌های فعلی می‌توانیم به سمت تمدن اسلامی حرکت کنیم؛ اختلاف نظر جدی پیدا می‌کنیم. من إن شاء الله در مورد ویژگی‌های روش تحقیق جدیدی که برای مطالعات حوزه تمدنی پیشنهاد کرده‌ایم، توضیحاتی را عرض خواهم کرد.

سوال دوم: حوزه‌های اصلی تمدن اسلامی کدام است؟

سوال دومی را که ما در جلسه امروز به آن خواهیم پرداخت و به نظر من سوال بسیار مهمی است عبارت از این است که: **حوزه‌های اصلی تمدن اسلامی کدام است؟** اگر ما اعتقاد داریم به اینکه باید به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم؛ حرکت ما در چند حوزه باید اتفاق بیفتد؟ متأسفانه برخی از **جریان‌های انقلابی کشور** ما در اوج فعالیت‌های خودشان فقط به **مسائل فرهنگی** توجه می‌کنند. و به **مسائل اقتصادی** هم در کنار آن توجه می‌کنند. یعنی: متأسفانه همه ابعاد مورد نیاز برای دستیابی به تمدن اسلامی، در دید و برنامه‌ریزی این دوستان تعریف نمی‌شود. لذا با این سوال می‌خواهیم سعی کنیم که پایه‌های اصلی و حوزه‌های اصلی دستیابی به تمدن اسلامی را تئوریزه کنیم.

به شرحی که در این جلسه عرض خواهم کرد، ما برای دستیابی به **تمدن نوین اسلامی**، حداقل نیاز به ۹ حوزه کاری داریم. ما این ۹ حوزه فعالیت را قطعی می‌دانیم؛ البته می‌توانیم در ویرایش دوم نقشه



جامع تمدن اسلامی، حوزه‌های جدیدی را برای این مسئله تعریف کنیم. اما آنچه که مسلم است این است که این ۹ حوزه کاری قابل حذف نیستند. ما فکر می‌کنیم اگر کسی از این ۹ حوزه غفلت کند، خواسته یا ناخواسته دارد حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و حل مشکلات مردم را دچار کند می‌کند. این هم سوال دوم است.

سوال سوم: اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی کدام است؟

سوال سوم و به نظر من مهم‌ترین سوال جلسه (که بیشترین وقت را هم به این سوال اختصاص خواهیم داد)، عبارت از این است که: اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی کدام است؟

همان طور که عرض کردم ما فعلاً در قم بر روی ۹ حوزه تمدنی متمرکز هستیم. خوب این یک نقشه جامعی را در اختیار ما قرار می‌دهد. من مکرر خدمت نخبگان محترم کشور گزارش دادم که آن ۹ حوزه تمدنی، حدود ۱۰۰ نظریه فقهی را شامل می‌شود. اما در مقام عمل نمی‌توان به طور همزمان از صد حوزه برنامه‌ریزی را شروع کرد. بنابراین برای شروع کار حتماً باید اولویت بندی را در دستور کار خودمان قرار دهیم. لذا در سوال سوم توضیح خواهیم داد که آغاز حرکت برای الگوی اسلامی پیشرفت و دولت اسلامی و مردمی کردن امور، تحول در ۱۲ مسئله است. الان در کشور در مورد این ۱۲ مسئله گفتگوهای گسترده‌ای در حال انجام است. بعضی‌ها هم به مرحله نمونه سازی رسیده است که حالا شرح خواهیم داد.

بنابراین چشم انداز بحث جلسه امروز ما که به معرفی نقشه جامع تمدن اسلامی اختصاص دارد به این صورتی است که عرض کردم: (۱) در مورد روش تحقیق اندکی صحبت خواهیم کرد. (۲) حوزه‌های مرتبط با تمدن‌سازی را بیشتر از محور اول توضیح خواهیم داد. و (۳) در مهم‌ترین سرفصل پیشنهاد می‌کنم که نخبگان کشور ما، بر روی ایجاد تحول در ۱۲ مسئله با یکدیگر بسیج و هم‌پیمان بشوند. این چشم انداز بحث است و مراد ما از نقشه جامع تمدن اسلامی، پاسخگویی به این سه سوال اصلی است.



البته سوالات فرعی زیادی در حوزه تمدن نوین اسلامی مطرح است. به آنها هم می توانیم در جلسات دیگری پردازیم. اما عمده این است که در این جلسه بتوانیم به این سه سوال [اصلی] به صورت صحیح پردازیم و از آنها غفلت نکنیم.



۲. سوال اول: روش تحقیق در تمدن اسلامی چگونه است؟

من از سوال و بخش اول نقشه جامع تمدن نوین اسلامی، توضیحات خودم را محضر شما شروع می‌کنم. همان طور که عرض کردم پیشنهاد مدرسه فقهی هدایت و شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی کشور این است که: مسائل کشور را با روش تحقیق جدیدی حل و فصل کنند.

فرض بفرمایید که اگر الآن شما مبتلا به مسئله "بحران آب" هستید (که البته من این کلمه "بحران آب" را جعلی می‌دانم! و جزء غلط‌های کارشناسی، طبقه‌بندی می‌کنم. عنوان صحیح این است که بگوییم: "بحران مدیریت آب" داریم). فرض بفرمایید که اگر کسی دارد در مورد "بحران مدیریت آب" مطالعه می‌کند. یا شخص دیگری موضوع مطالعه و دقتش حل مسائل کشاورزی کشور است که یکی از مسائل کشاورزی کشور، "مسئله مدیریت صحیح آفات" است. ما نمی‌توانیم آفات کشور را با شیوه‌های بیولوژیک، یا شیوه‌های شیمیایی و سموم شیمیایی، مدیریت کنیم. چون خروجی کار، تولید غذای ناسالم و بالتبع ایجاد بیماری‌های گسترده خواهد شد.

حالا اگر موضوع مطالعه کسی این است که: مدیریت صحیح آفات چگونه است؟ یا هر مسئله دیگری را که می‌توانید مثال بزنید؛ اولین پیشنهاد و اولین خواسته ما این است که: از یک روش تحقیق صحیح برای یافتن پاسخ در این حوزه استفاده کنید.

متأسفانه یک اخلاقی در جامعه ما به وجود آمده است که ما اگر بخواهیم در یک حوزه، تحلیلی را به دست بیاوریم، بلافاصله شروع می‌کنیم به مقالات I.S.I رجوع می‌کنیم و از مقالاتی بهره می‌بریم که می‌دانیم خروجی روش تحقیق پوزیتیویستی است. ما فکر می‌کنیم این نوع مطالعه مشکل مردم ایران را حل نخواهد کرد.

۲/۱. روش تحقیق مبتنی بر اشراف علمی (نه مبتنی بر گزاره‌های بخشی مطرح در

روش تحقیق پوزیتیویستی)؛ روش تحقیق مطرح در تمدن اسلامی

اما پیشنهاد اصلی ما این است که: روش مطالعه در حل مسائل تغییر کند و بالتبع آن مدیریت پایان‌نامه‌ها تغییر کند؛ تا بتوانیم راه‌حل‌های صحیحی را برای حل مسائل کشور به دست بیاوریم. مشخصاً ما پیشنهاد می‌کنیم که نخبگان کشور از "روش تحقیق مبتنی بر اشراف" استفاده کنند. اصطلاح "اشراف علمی" یک اصطلاح مادر در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است.



بینید؛ در همه اشیاء، دو فرض مطالعاتی متصور است: ^۱ فرض اول این است که ما در تحقیق خودمان به کسانی که گزاره‌های بخشی در مورد این دو مسئله دارند رجوع کنیم. این یک فرض است.

فرض دیگر این است که در تحقیق خود در مورد این دو مسئله به کسانی رجوع کنیم که به ابعاد این دو مسئله اشراف دارند. اگر اثبات شد که کسانی وجود دارند که به همه مسائلی که در عالم وجود دارد (از جمله مسئله آب و مسئله مدیریت آفات) اشراف علمی دارند، عقل حکم می‌کند که ما گزاره‌های آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. عقل حکم می‌کند که ما گزاره‌های بخشی را کنار بگذاریم.

به هر حال هر کسی که اندکی درباره اشیاء مطالعه کند، می‌تواند مجموعه‌ای از اطلاعات را در مورد یک شیء خاص تولید کند؛ اما سخن در این است که: آیا ما می‌توانیم به صاحبان گزاره‌های بخشی، اعتماد کنیم یا نه؟ این سوال مهم روش تحقیقی ما است.

در مورد کسب اطلاعات درباره همه اشیاء، ما معتقدیم که: گزاره‌های کسانی که اشراف به آن مسائل دارند را باید بررسی کنیم. و مراد از کسانی که اشراف به مسائل دارند؛ اولاً و بالذات: کتاب خدا و گزاره‌های وحیانی‌ای است که در کتاب خدا برای ما نقل شده است. و ثانیاً: شروحاتی است که چهارده معصوم علیهم‌السلام از این آیات برای ما به ارمغان و به یادگار گذاشته‌اند. اگر کسی برای حل مسائل خودش به آیات و روایات رجوع کند، ما عرض می‌کنیم به گزاره‌های کسانی رجوع کرده است که اشراف به مسائل دارند.

۲/۱/۲. ارائه دو دلیل برای علت رجوع به کتاب خدا (گزاره‌های مبتنی بر اشراف) به جای رجوع به گزاره‌های بخشی و پوزیتیویستی:

البته برای شما مومنان، مُسلم است که رجوع به کتاب خدا یعنی رجوع به کسی که اشراف به مسائل دارد. اما برای کسانی که ممکن است دلیل رجوع به آیات و روایات برای حل مسائل را بخواهند از ما بپرسند، ما دو دلیل برای رجوع به این نوع از گزاره‌ها اقامه می‌کنیم:

۱. حالا من همان مثال اول را حفظ می‌کنم مثلاً فرض بفرمایید موضوع مطالعه ما آب است یا مدیریت آفات است؛ دو فرض در مورد این مسئله متصور است.



۲/۱/۲/۱. دقیق‌تر بودن گزارش‌های خالق و مُخترع اشیاء نسبت به گزارش‌های غیرخالق؛ اولین دلیل برای علت رجوع به کتاب خدا

اولین دلیلی که باعث می‌شود ما به جای رجوع به گزاره‌های بخشی و پوزیتیویستی به آیات و روایات رجوع کنیم این است که: آیات و روایات، گزارش کسی است که خالق اشیاء است و اگر ما فقط و فقط به این گزاره توجه کنیم که خالق و مُخترع اشیاء، اشراف بسیار بیشتری دارد نسبت به کسی که خالق و مُخترع نیست؛ آنگاه عقل ما حکم می‌کند که از [این گزاره‌ها] و از این روش تحقیق استفاده کنیم. همه عقولی که در عالم وجود دارد (حتی عقول پوزیتیویستی) حکم می‌کنند که گزارش مُخترع، دقیق‌تر است از گزارش کسی که مُخترع نیست.

بنابراین اولین اصلی است که ما را قانع می‌کند که به گزاره‌های وحیانی رجوع کنیم، این است که: گزاره‌های وحیانی گزارش شخص خالق است. گزارش موجودی است که خالق است.

۲/۱/۲/۱/۱. گزارش‌های خالق در مورد آب؛ یکی از گزارش‌های خالق در مورد اشیاء

در مورد همین موضوع آب که من محضر شما عرض کردم، خدای متعال یک توضیحاتی داده است. از جمله اینکه در مورد ماهیت آب که در دعا می‌خوانیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا». مهم‌ترین صفتی که خدای خالق برای آب گفته این است که: آب، طهارت ایجاد می‌کند. که حالا ما در بحث‌های فقهی "الگوی فقهی مدیریت آب" عرض کرده‌ایم که: مراد از طهارت در اینجا ۱۱ نوع طهارت است که باید بحث کنیم. خدای متعال آب را با وصف طهارت برای ما معرفی کرده است.

[خالق آب،] محل کشف آب را در روایات به ما معرفی کرده است. من همیشه عرض کرده‌ام که در روایات ما سه نوع منبع برای کشف آب معرفی شده است و ما نباید همانند دانشمندان پوزیتیویستی تصور کنیم که آب‌ها را فقط می‌شود در محدوده آبخوان‌ها پیدا کرد. بله؛ محدوده آبخوان‌ها یک منطقه برای کشف آب است. و وقتی شما می‌بینید که وزارت نیرو و یا برخی از کارشناسان مرتبط با آب، اظهار نظر می‌کنند که کشور ما دچار کمبود آب شده است؛ مرادشان کمبود آب در آبخوان‌های کشور است.

اما اگر به گزارش‌های خالق آب رجوع کنید؛ خالق آب به ما می‌گوید ما دو نوع منبع دیگر هم برای آب در دسترس داریم: یک منبع آبی [کوه‌ها هستند و] محل کشف آن در زیر کوه‌ها است که در برخی تعبیرهای ناقص پوزیتیویستی از آن به آب‌های ژرف تعبیر می‌شود. منتها با توجه به این نکته که این

۲/۱/۲/۱/۱/۱. گزارش
های خالق در مورد
منابع کشف آب
(آبخوان‌ها، زیرکوه‌های
بزرگ و آب دریاها (بعد
از ظهور))؛ سه منبع
کشف آب طبق
گزارش‌های خالق در
مورد آب



آب‌ها را می‌توان در زیر **کوه‌های بزرگ** که قرآن از آنها تعبیر به "رواسی" کرده است پیدا کرد.^۲ این هم یک منبع آبی است.

بنابر گزارش‌هایی که امیرالمومنین و برخی از اهل بیت علیهم‌السلام ارائه داده‌اند:^۳ آب‌های زیر کوه‌ها هیچ وقت دچار نقصان نمی‌شوند! چون منبع این نوع از آب‌ها، بارش باران نیست؛ [لذا] هیچوقت دچار نقصان نمی‌شود. این یک منبع آبی فراوانی است.

۲. **ارجاع پژوهشی:** اَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِي. وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه زمین را [برای موجودات در آن] آرام و قرارگاه ساخت و در شکاف‌هایش نهرهایی پدید آورد، و برای آن **کوه‌هایی استوار** قرار داد [تا زیر پای اهلس نلزد]، و میان دو دریا [ی شیرین و شور] مانع و حایلی قرار داد [که با هم مخلوط نشوند] آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد]؟! [نه، نیست] بلکه بیشترشان اهل معرفت و دانش نیستند.

سوره مبارکه نمل، آیه ۶۱

وَ جَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِي شَامِخَاتٍ وَ أَشْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا
و **کوه‌های استوار** و بلند در آن قرار دادیم و شما را آبی گوارا نوشاندیم.

سوره مبارکه مرسلات، آیه ۲۷

۳. **ارجاع پژوهشی:** و من خطبة له ع في عجب صنع الكون: وَ كَانَ مِنْ أَقْتِدَارِ جَبْرُوتِهِ وَ بَدِيعِ لَطَائِفِ صُنْعِهِ أَنْ جَعَلَ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ الرَّازِحِ الْمُتَرَاكِمِ الْمُتَقَاصِفِ بَيْسًا جَامِدًا ثُمَّ فَطَرَ مِنْهُ أَطْبَاقًا فَفَتَقَهَا سَبْعَ سَمَاوَاتٍ بَعْدَ إِزْتِاقِهَا فَاسْتَمْسَكَتْ بِأَمْرِهِ وَ قَامَتْ عَلَى حَدِّهِ وَ أَرَسَى أَرْضًا يَحْمِلُهَا الْأَخْضَرُ الْمُتَعَجِّزُ وَ الْقَمَقَامُ الْمُسَخَّرُ قَدْ ذَلَّ لِأَمْرِهِ وَ أَدْعَنَ لِهَيْبَتِهِ وَ وَقَفَ الْجَارِي مِنْهُ لِحَشِيَّتِهِ وَ جَبَلٌ جَلَامِيدَهَا وَ تُسُورٌ مُثُونِهَا وَ أَطْوَادُهَا [أَطْوَادُهَا] فَأَرَسَاهَا فِي مَرَاسِيهَا وَ أَلَزَمَهَا قَرَارَاتِهَا [قَرَارَاتِهَا] فَمَضَتْ رُءُوسُهَا فِي الْهَوَاءِ وَ رَسَتْ أَصُولُهَا فِي الْمَاءِ. فَأَنْهَدَ جِبَالَهَا عَنْ سُهُولِهَا وَ أَسَاخَ قَوَاعِدَهَا فِي مُثُونِ أَفْطَارِهَا وَ مَوَاضِعِ أَنْصَابِهَا فَأَشْهَقَ قَلَالِهَا وَ أَطَالَ أَنْشَارَهَا وَ جَعَلَهَا لِلْأَرْضِ عِمَادًا وَ أَرَزَهَا فِيهَا أَوْتَادًا فَسَكَنَتْ عَلَى حَرَكَتِهَا مِنْ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا أَوْ تَسِيخَ بِحِمْلِهَا أَوْ تَزُولَ عَنْ مَوَاضِعِهَا فَسُبْحَانَ مَنْ أَمْسَكَهَا بَعْدَ مَوْجَانِ مِيَاهِهَا وَ أَجْمَدَهَا بَعْدَ رُطُوبَةِ أَكْنَافِهَا فَجَعَلَهَا لِخَلْقِهِ مِهَادًا وَ بَسَطَهَا لَهُمْ فِرَاشًا فَوْقَ بَحْرِ لُجِّيٍّ زَاكِدٍ لَا يَجْرِي وَ قَلَانِمٍ لَا يَسْرِي تَكْرُكْرَةً الرِّيَاحِ الْعَوَاصِفِ وَ تَمَخُّضَةِ الْعَمَامِ الدَّوَارِفِ - إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى.

از خطبه‌های آن حضرت (امیرالمومنین (علیه السلام)) است در قدرت خداوند و خلقت زمین: از آثار اقتدار عظمتش، و شگفتی لطائف آفرینش، اینکه زمین خشک را از آب دریای عمیق و متراکم که امواج درهم شکننده است به وجود آورد، سپس از آن آب طبقاتی آفرید، آن گاه هفت آسمان را بعد از آنکه به هم پیوسته بود از آن باز کرد، آسمانها به فرمان او خود را نگاه داشتند و بر اندازه‌ای که برای آنها مقرر فرموده بود بر پا شدند، و زمینی را که آب روان سبز رنگ آن را حمل می‌کند و دریای مسخّر شده آن را بر می‌دارد استوار و پا بر جا نمود، دریایی که در برابر امزش خاکسار و در مقابل هیبتش تسلیم، و جریانش از خشیت او متوقف است. تخته سنگهای عظیم، و تپه‌های بلند و کوه‌های زمین را آفرید، و آنها را در جای خود ثابت نمود، و در قرارگاهشان مستقر کرد. **قله کوهها در فضا بالا رفت، و ریشه آنها در آب قرار گرفت.** کوهها را از زمینهای هموار برافراشت، و پایه‌های آن را در پشت اطراف زمین و مراکزی که برقرارند فرو برد، قله‌ها را بالا برد، و بلندیهای آن را طولانی نمود، و کوهها را ستون زمین ساخت، و چون میخ‌هایی بر آن کوید، پس زمین متحرک ساکن شد از اینکه ساکنانش را به اضطراب اندازد، یا بار گرانش را در خود فرو برد، یا از جای خود منحرف شود. منزّه است خداوندی که زمین را پس از موج زدن آبهایش نگاه داشت، و آن را پس از رطوبت اطرافش خشک نمود، و آن را برای خلق خود بستر آرام، و فرش گسترده قرار داد، آن هم روی دریای عمیق ساکنی که بی‌جریان است، و ایستاده و بی‌حرکت می‌باشد، که



ما در مدرسه هدایت به صورت تجربی، در پنج نقطه از کشور، تجربه کشف این نوع از آب‌ها را به ثبت رسانده‌ایم و نشان داده‌ایم که همان جایی که امیرالمومنین علیه السلام به ما نشان داده‌اند و ما را راهنمایی فرموده‌اند که در آنجا آب وجود دارد، می‌توانیم همین الان منابع آبی فراوانی را استحصال کنیم و در اختیار قرار دهیم.

غیر از این منبع آبی که در زیر کوه‌ها می‌شود آن را پیدا کرد (که غیر از آبِ آبخوان‌ها است)، یک منبع آبی دیگری هم در روایات بحث شده است که «آب دریاها» است. البته شما می‌دانید که طبق روایات ما، آب دریاها تا دوره ظهور، به دلیل شوری آب، فایده فراوانی برای زندگی ما ندارند و بعد از اینکه این تغییر تکوینی (ظهور امام) ایجاد شد، از آن منبع آب هم می‌توانیم استفاده کنیم.

پس ببینید من مثال زدم. تفاوت نگاه کسانی که اشراف به مسئله در حوزه آب دارند با نگاه کسانی که فقط با مطالعات خودشان دنبال منابع آبی هستند. در مورد تصفیه آب باز راهنمایی‌هایی در آیات و روایات داریم.^۴ می‌توانیم همه اینها را احیاء کنیم و به صورت عمومی در اختیار مردم قرار بدهیم. غیر

بادهای سخت آن را زیر و رو و این سو و آن سو می‌کند، و ابرهای پر باران آن را به جنبش می‌آورد، «همانا در این آثار برای اهل خشیت عبرت و پند است»

نهج البلاغه، ص ۳۲۹ (خطبه ۲۱۱)
بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۳۸

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه با اشاره به مسئله پیدایش چشمه‌ها و آثار مهم کوه‌ها می‌فرماید: فَلَمَّا سَكَنَ هَيْجُ الْمَاءِ مِنْ تَحْتِ أَكْتَانِهَا وَ حَمَلَ شَوَاهِقَ الْجِبَالِ الشُّمَخَ الْبُدْخِ عَلَى أَكْتَانِهَا فَجَزَّ يَتَابِعِ الْعُيُونِ مِنْ عَزَائِنِ أَنْوْفِهَا وَ فَرَقَهَا فِي شُهوبٍ بِيَدِهَا وَ أَخَادِيهَا؛ امیرالمومنین علیه السلام: آن‌گاه که آب در اطراف زمین از هیجان و جوشش باز ایستاد، خداوند سبحان کوه‌های بلند را بر دوش زمین جای داد و از کوه‌ها چشمه‌ها بر آورد و در بیابانهای پهناور و دژه‌های ژرف جاری ساخت.

خطبه ۹۱ نهج البلاغه

۴. **ارجاع پرورشی: الگوی فقهی مدیریت آب** را تدوین کرده‌ایم! به فضل الهی "الگوی فقهی مدیریت آب" را در مقایسه با بخش ششم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ (آب سالم و بهداشت) تدوین کرده‌ایم. فرآیند استنباط این الگوی کارآمد فقهی بر اساس قواعد اصولی فقه‌البیان - مانند بیان مبتنی بر مکتب، بیان مبتنی بر منزلت - تئوریزه و تشریح می‌گردد. در مباحث اصلی الگوی فقهی مدیریت آب به پرسشهایی مانند: ۱- چرا در فهرست کتاب فقهی شرایع؛ فقط به خاصیت طهارت آفرینی آب پرداخته شده است؟، ۲- معرفی کارکردها و خاصیت‌های آب از نظر آیات و روایات، ۳- معرفی تقسیمات آب از منظر آیات و روایات، ۴- معرفی عوامل موثر بر افزایش نزولات آسمانی و تبیین ارتباط آن با روابط انسانی صحیح ۵- ارتباط افزایش باران با الگوی کشت، ۶- تبیین راهکارهای فقهی استحصال آب باران و بیان تأملاتی در فواید چاه آب و قنات و بندهای آبی و آب انبار در مقایسه با مفهوم معیوب سد سازی، ۷- بازخوانی شاخص‌های فقهی آب گوارا (مزه، رنگ و بو) در مقایسه با استاندارد سطح PH آب آشامیدنی + معرفی روش‌های آسان



از این موارد، در ده‌ها حوزه دیگر هم، این گزاره‌های وحیانی در اختیار ما وجود دارد و می‌توانیم از آن استفاده کنیم.

در این مثالی که ذکر کردم؛ عرض بنده به صورت خلاصه این است که: در مورد مسئله آب، دو نوع گزاره وجود دارد: (۱) گزاره دانشمندان پوزیتیویستی است که محدود به تجربه شخصی خودشان و محدود به مطالعات خودشان، رفته‌اند یک گزارش‌هایی را در حوزه آب کشف کرده‌اند و در اختیار ما قرار داده‌اند. و امروز زندگی ما در حوزه مدیریت آب براساس این گزارش‌های ناقص دارد اداره می‌شود؛ بنابراین کلی چالش در حوزه آب داریم. (۲) الگوی دوم مطالعاتی این است که: ما همه گزاره‌های وحیانی در حوزه آب را جمع کنیم و روی آنها مطالعه کنیم و آنها را تبویب کنیم و از آنها استفاده کنیم. مهم‌ترین ویژگی گزاره‌های وحیانی این است که گزارش خالق آب در این حوزه است. همان‌طور که بنده عرض کردم خالق و مخترع یک شیء، نسبت به آن شیء، اشراف اطلاعاتی تام دارد. و من در تعجب تام هستم! که چرا بشر مدرن نمی‌خواهد به کسانی که اشراف به مسائل دارند رجوع علمی کند؟ این یک پرسش است.

۲/۱/۲/۲. علیم‌بودن (دارا بودن علم بسیار گسترده) خداوند نسبت به تمام امور آشکار و پنهان عالم (حتی مخفی‌ترین امورات عالم: خطورات قلبی انسان‌ها)؛ دومین دلیل برای علت رجوع به کتاب خدا
نکته دوم و دلیل دومی که ما را اقناع می‌کند که به گزارش‌های خالق رجوع کنیم، این است که: در کتاب خدا، خداوند متعال ۱۶۱ بار خودش را به اسم "علیم" برای ما معرفی کرده است. این هم یک نکته روش تحقیقی در کتاب خداست.

اینکه خدای متعال به مناسبت‌های مختلف، در حوزه‌های مختلف دارد به بشر تذکر می‌دهد که خالقِ شما "علیم" است و «إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». اینکه خدای متعال دارد ما را راهنمایی می‌کند که اگر به خدای خودتان توجه می‌کنید، بدانید که این‌طور نیست که خدای شما اطلاعات بخشی داشته باشد؛ بلکه اطلاعات او به همه اشیاء در وضعیت "علیم" است، یعنی: [دارای] یک علم بسیار گسترده‌ای است.

تصفیه آب، ۸- تبیین الگوی صحیح آبیاری مزارع کشاورزی و بیان روش‌های فقهی برای کشف محل منابع بزرگ آب و... پرداخته می‌شود.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - بامداد یکشنبه ۷ فروردین ۱۴۰۱ - بروجرد (شهر منتظران)

<https://eitaa.com/olgou4-31/4>

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام رسان ایتا



یکی از آیاتی که با موضوع اسم‌علیم در کتاب خدا وجود دارد این است که: «خدای متعال علیم به ذات الصدور است؛ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ». شما استحضار دارید که آنچه که در قلب‌ها خطور می‌کند و پیدا می‌شود، جزو مخفی‌ترین امورات عالم است! و شما با هیچ مدل پوزیتیویستی نمی‌توانید کشف خطورات قلبی یک نفر را در دستور کار خودتان قرار بدهید. بنا بر حکمتی که خدای متعال دارند (که اینجا جای بحث از آن نیست) ما در عالم یک پدیده بسیار مخفی داریم و آن همان خطورات قلبی افراد است. یعنی مخفی‌ترین امور در عالم، اموری نیست که زیر زمین است، اموری نیست که در دل کوه‌ها قرار دارد؛ بلکه اموری است که در قلب‌های آدم‌ها می‌گذرد! لذا مدت‌ها باید با کسی رفاقت کرد و هم‌صحبت شد تا اینکه حالات قلبی او برای انسان کشف بشود. حالا خدای متعال در این امور مخفی [در قلب] هم می‌فرماید: من "علیم" هستم و اطلاعات کامل دارم.

وقتی خدای متعال خودش را در امور مخفی و همچنین در امور آشکار، "علیم" معرفی می‌کند؛ این یعنی: در روش تحقیق به گزارش‌ها و گزاره‌های این شخص علیم رجوع کنید. من در تعجب هستم از کسانی که دائماً قرآن می‌خوانند و دائماً به وصف "علیم" که خداوند ۱۶۱ بار خودش را در قرآن به این

۵. **ارجاع پژوهشی:** ها أَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تَوَمَّنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقَوُكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ فَلَمَّا مَوْتُوا بَعَيْظِكُمْ إِنْ أَلَّفَهُ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹ آل عمران)
 ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنْ أَلَمَرَ كُلُّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَليَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۵۴ آل عمران)

وَ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَّعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷ مائده)
 إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَأَيْتُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴۳ انفال)
 أَلَا إِنَّهُمْ يَبْتَلُونُ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۵ هود)
 وَ مَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۳ لقمان)
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸ فاطر)
 إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷ زمر)
 أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يُخِنمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۴ شوری)
 يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶ حدید)
 يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴ تغابن)
 وَ أَسْرَا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳ ملک)
 ترجمه: ... خداوند به آنچه در سینه‌هاست (تبات و اسرار) داناست.



صفت معرفی کرده است بر می‌خورند؛ ولی بعد فردای آن روز در روش تحقیق حاضر نیستند گزارش‌های این موجود "علیم" را بررسی عقلانی کنند و در مورد آن مطالعه کنند. پس ما به دو دلیل به جامعه علمی کشور توصیه می‌کنیم که در مطالعه در زمینه مسائل کشور از "روش تحقیق فقهی" استفاده کنند. روش تحقیق فقهی تنها روش تحقیقی در عالم است که موضوع کار آن "بررسی گزارش‌های مبتنی بر اشراف علمی" است. ما نمی‌توانیم روش تحقیق دیگری را در عالم پیدا کنیم که چنین ویژگی‌ای داشته باشد. این ویژگی فقط نزد انبیاء یافت می‌شود. این نوع از علم؛ کدام نوع از علم؟ علمی که تولیدکننده گزاره‌های آن، نسبت به ابعاد مختلف یک مسئله، اشراف داشته باشد. چنین علمی فقط در کتاب خدا و روایات در دسترس ما است. بنابراین ما می‌توانیم از این روش تحقیق استفاده کنیم.

۲/۱/۳. دو توصیه مهم:

۲/۱/۳/۱. توصیه اول: به اساتید و مدیران پایان‌نامه‌ها در دانشگاه‌های کشور: بهره‌گیری از روش تحقیق فقهی و گزاره‌های مبتنی بر اشراف در حل مسائل و مشکلات کشور

من در پایان بررسی این سوال، دو توصیه مهم دارم: توصیه اول من به مدیریت پژوهش دانشگاه‌های کشور و اساتیدی است که پایان‌نامه‌های کشور را دارند مدیریت می‌کنند. به آنها پیشنهاد می‌کنم که از روش تحقیق فقهی و روش تحقیق مبتنی بر گزارش‌های مبتنی بر اشراف، برای مطالعات مرتبط با مسائل مختلف استفاده کنند و از این روش تحقیق در حل مسائل خودشان بهره ببرند. بله؛ من از بندگان و از صمیم قلب معتقدم که کشور باید علمی اداره بشود؛ اما سوال من از جمع حاضر و از نخبگان محترم کشور این است که: آیا شما گزاره‌های بخشی و گزارش‌های ناشی از روش تحقیق پوزیتیویستی را "علم" می‌دانید، ولی گزاره‌های شخص "علیم" و شخص "خالق" را "علم" نمی‌دانید؟! آیا می‌توانید از صحت این روش تحقیق خودتان دفاع علمی کنید؟ این سوال مهم سوال اولی است که ما در حوزه تمدن اسلامی به آن می‌پردازیم.

لذا من با افتخار عرض می‌کنم که مجموعه نظریاتی که در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی در طول سال‌های گذشته تولید شده است، همه براساس روش تحقیق جدیدی که مبتنی بر اشراف است، تولید شده است.

تفاوت نظریات هم برای خوانندگان آن کاملاً واضح است؛ از حیث اقناع علمی و از حیث کارآمدی می‌تواند رقابت کند. اگر ما به گزاره‌های وحیانی رجوع کردیم و در آنها درایه و تفقه کردیم، سطح



تفاهم ما با جامعه افزایش پیدا می‌کند. می‌توانیم جامعه را بیشتر اقناع کنیم. اگر ما به گزاره‌های علمی رجوع کردیم، راهکارهای مطرح در آیات و روایات می‌تواند کارآمدی بیشتری را حل و فصل کنیم. که حالا در مسئله آب، مثال آن را مطرح کردم. در روزگاری که کارشناسان حوزه مسکن کشور دائماً در قم به ما می‌گفتند که پروژه ۵۶۰ هکتاری ساخت مسکن در قم^۱ باید به شکل آپارتمانی باشد و تنها دلیل آنها این بود که شهر قم با کمبود آب رو به رو است؛ ما علی‌رغم چشم بسته این کارشناسان در همان حوالی شهر قم، ۵ منبع آبی بزرگ را به این کارشناسان نشان دادیم! ولی نخواستند ببینند و به آن توجه نکردند و این دروغ کارشناسی بزرگ را که می‌گویند «کشور ایران آب ندارد» را به پذیرش مسئولین رساندند و آن ساختمان‌های نامطلوب آپارتمانی را در نزدیک روستای ورجان ساختند و دارند می‌سازند و آن را به مردم تحمیل می‌کنند. در ده‌ها مسئله دیگر هم همین طور است. لذا این نکته اول است.

۲/۱/۳/۱/۱. افزایش
اقناع علمی و "تفاهم"
با جامعه + افزایش
"کارآمدی"؛ دو نمونه
از فوائد روش تحقیق
فقهی و گزاره‌های
مبتنی بر اشراف

۲/۱/۳/۲. توصیه دوم: به حوزه‌های علمیه و اساتید درس خارج: تلاش برای ارتقاء روش تحقیق مرسوم در حوزه‌های علمیه (قواعد اصول فقه) و بهره‌گیری از "توصیفات شارع" (علاوه بر توجه به کشف "اوامر و نواهی") برای حل مسائل کشور

نکته دوم من به حوزه‌های علمیه است. الان حوزه‌های علمیه شیعه، از روش تحقیق موسوم به "اصول فقه" استفاده می‌کنند و این روش از یک حیث به علم مبتنی بر اشراف توجه دارد (یعنی اصول فقه

۶. ارجاع پردازشی: قم - ایرنا - سایت ۵۶۰ هکتاری پردیسان قم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سایت‌های طرح نهضت ملی مسکن در سطح کشور در حال اجرای عملیات عمرانی برای احداث حدود ۳۰ هزار واحد مسکونی است. به گزارش ایرنا، براساس گزارش سامانه نهضت ملی مسکن در استان قم بیش از ۱۴۷ هزار نفر در سامانه مربوطه ثبت‌نام کرده‌اند که از این تعداد حدود ۷۳ هزار نفر حائز شرایط شناخته شدند. هم‌اینک بخش مهمی از طرح نهضت ملی مسکن در قالب احداث خانه در اراضی ۵۶۰، ۲۲، ۲۷ و ۱۷ هکتاری شهرک پردیسان در حال ساخت است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / ۶ آبان ۱۴۰۲: <https://irna.ir/xjNPKp>

برخی از پروژه‌های جدید مسکن ملی استان قم از ابتدای سال جدید (۱۴۰۲) در سایت ۵۶۰ هکتاری آغاز به کار کرده است و بر اساس اعلام اداره کل راه و شهرسازی استان قم قرار است ۳۲ هزار واحد مسکونی آپارتمانی برای متقاضیان طرح مسکن ملی در این سایت مسکونی ساخته شود.

خبرگزاری فارس / ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲: <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۲۰۲۰۷۰۰۰۵۴۵>

پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی: <http://news.mrud.ir/news/۱۴۸۶۱۵>



فعلی، رجوع به علم امام علیه السلام را توصیه و تئوریزه می‌کند؛ اما محدود به کشف اوامر و نواهی است. به اصطلاح فنی‌تر اگر من بخواهم بگویم حوزه‌های علمیه فعلی به دلیل توجه به علم اصول فعلی، [فقط] در محدوده کشف معذّر و منجّز از ادبیات وحی استفاده می‌کنند. من از برادران فاضل حوزوی خودم و از صاحبان کُرسی‌های درس خارج سوال می‌کنم: چرا ما نباید از "توصیف‌های شارع" بهره ببریم؟! چرا روش تحقیق شما در کتاب خدا و روایات، محدود به کشف "اوامر و نواهی" شده است؟ چرا روش تحقیق یا اصول فقه را در حوزه علمیه ارتقاء ندهیم تا بتوانیم "توصیفات شارع" را استنباط کنیم و در اختیار مردم قرار بدهیم؟! به هر حال بیشتر کتاب خدا، "توصیف" است.

اینجا در پایان عرائض این جمله معروف گالیله را برای شما نقل می‌کنم. و همه شما را پرهیز می‌دهم که در ذهنتان به صورت خواسته یا ناخواسته تحلیل گالیله وجود داشته باشد! در دعوایی که در قرون وسطی، بین گالیله و کلیسا اتفاق افتاد.^۷ گالیله وقتی می‌خواست کلیسا را قانع کند که روش تحقیق پوزیتیویستی و روش تحقیق حسی هم یک روش تحقیق علمی است، روی این مطلب تأکید می‌کرده است که: موضوع تحقیق در کلیساهای آن روز، بررسی "کلام خدا و کتاب خدا" است. و موضوع بررسی در دانشگاه‌ها و تحقیقات آن روز، بررسی "اشیاء و کتاب آفرینش" است. لذا [با توجه به اینکه عرض کردیم که بیشتر کتاب خدا، توصیفات در مورد عالم است؛] این جمله‌ای که از گالیله نقل شده است که: «علم به بررسی کتاب آفرینش می‌پردازد و کلیساهای و حوزه‌های دینی به بررسی کتاب خدا و کلام خدا می‌پردازند؛ بنابراین هر دو دارند در مسیر حق حرکت می‌کنند»؛ این حرف یک ضعف فاحش دارد و یک غفلت واضح در این کلام وجود دارد. [چون] گالیله و تابعین گالیله تا عصر ما، توجه به این نکرده‌اند که: موضوع کتاب خدا و کلام خدا، توصیف آفرینش خدا است. اساساً اگر بگویم خدای متعال در کتاب خودش و در کلام خودش، آفرینش و اشیاء را توصیف نکرده است؛ نه دهم کتاب خدا بلا موضوع می‌شود!

بنابراین این حرف و استدلال گالیله علیل است. و الان کسانی هم هستند که دارند این استدلال را تکرار می‌کنند و می‌گویند: «به صرف اینکه یک تحقیق دارد یکی از مخلوقات خدای متعال را

۷. داخل پراتنز برای شما بگویم که: روایت این دعوای هم پر از جعل است پر از دروغ است! متأسفانه تاریخ‌نگاری علم در غرب تاریخ‌نگاری صادقانه‌ای نیست! به هر حال در آن دعوای...

۲/۱/۳/۲/۱. نکته:
کلام مشهور گالیله و
تابعین او (که توصیف
آفرینش و اشیاء را
وظیفه دانشگاه‌ها
می‌دانند) حرفی
نادرست و غلط است؛
بلکه حرف صحیح آن
است که: اساساً موضوع
کتاب و کلام خدا (نه
دهم آن)، توصیف
آفرینش است



موضوع مطالعه قرار می‌دهد، این تحقیق علمی و مورد قبول است.» در حالی که همان‌طور که عرض کردم گزاره صحیح این است که بگوییم: «موضوع کتاب خدا و کلام خدا، توصیف آفرینش خداست» و اگر کسی در کتاب خدا تدبّر و تعمّق کند، درک دقیق‌تری از اشیاء و آفرینش خدا به دست می‌آورد.^۸ اما اگر کسی به بهانه مطالعه آفرینش خدا و اشیائی که خدا خلق کرده است، از کتاب خدا دست بردارد؛ نتیجه‌اش همین توصیفات پوزیتیویستی می‌شود که در دست بشر است.

من یک وقتی با بعضی از دوستان تحدّی (مبارزطلبی) کردم! و عرض کردم که: با کثرت مطالعاتی که در طول سه دهه گذشته در مورد علوم پوزیتیویستی داشته‌ام؛ تا الآن هیچ تئوری پوزیتیویستی بدون تالی فاسدی را پیدا نکرده‌ام! همه تئوری‌های پوزیتیویستی در حوزه سلامت، در حوزه معماری و مسکن، در حوزه کشاورزی، در حوزه مدیریت شهری و در حوزه مطالعات نجومی؛ همه اینها دارای تالی فاسد هستند! اگر شما از این گزاره‌ها استفاده کنید، زمان طولانی لازم نیست تا «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» را با چشم خودتان ببینید! هر جا یک تحقیق علمی‌ای [طبق روش تحقیق پوزیتیویستی] صورت گرفته و براساس آن یک نمونه‌سازی [انجام شده] و پروژه علمی جلو رفته است، ده‌ها تالی فاسد به ارمغان آمده است!

لذا ما قبلاً در تعریف "پیشرفت" گفته‌ایم که: طرحی را طرح پیشرفته می‌دانیم که علاوه بر حل مسئله، سطح تالی فاسدها را [نیز] کاهش بدهد. اینکه ما بیاییم یک پروژه صنعتی را راه بیندازیم؛ بعد هوا آلوده بشود، خاک آلوده بشود، آب آلوده بشود، سلامت انسان به مخاطره بیفتد؛ حتماً این پیشرفت نیست؛ چون یک مسئله حل می‌شود و ده‌ها مسئله جدید ایجاد می‌شود!

بنابراین این خلاصه بخش اول بحث است. اگر می‌خواهیم به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم؛ پیشنهاد اول من به همه شما این است که: از روش تحقیق جدید استفاده کنید. مهم‌ترین ویژگی روش تحقیق جدید هم این است که: موضوع آن بررسی گزاره‌های علمی شخصی است که "إشراف" به مسائل دارد. عقل ما حکم می‌کند که به خبره و به کسی که إشراف به مسائل دارد رجوع کنیم. نه

۲/۱/۳/۲/۱/۱. ابتلاء
به تالی فاسدهای
فراوان در تمام تصرفات
مبتنی بر روش تحقیق
پوزیتیویستی، و عدم
ابتلاء به تالی فاسد در
صورت رجوع و عمل به
گزارش‌های مبتنی بر
إشراف در کتاب خدا؛
دلیلی بر بطلان حرف
کالیله و تابعین او

۸. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه، به گزارش مکتوب مدرسه هدایت با عنوان «جدول فقهی تسخیر»؛ مراجعه فرمایید.



به کسی که اطلاعات بخشی و حداقلی را در مورد اشیاء در اختیار ما قرار می‌دهد. این سوال اول است. من به سرعت وارد سوال دوم این جلسه می‌شوم.



۳. سوال دوم: حوزه‌های اصلی تمدن اسلامی کدام است؟

سوال دوم این است که: حالا براساس این روش تحقیق مبتنی بر اشراف، چند حوزه تمدنی را ما باید مطالعه کنیم تا به سمت تمدن نوین اسلامی با سرعت بیشتری حرکت کنیم؟ البته ما در ۴۰ سال اول انقلاب با یک سرعتی (که البته بعضی وقت‌ها به تعبیر مقام معظم رهبری به حرکت‌های هفت و هشتی مبتلا می‌شود) توانستیم در بعضی از حوزه‌ها به سمت ساخت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم. اما الآن عرض ما این است که باید یک نگاه جامع‌تری در ۴۰ سال دوم انقلاب داشته باشیم. لذا من با توجه به ادله فقهی تفصیلی؛ پیشنهاد این است که دوستان تمدن‌ساز ما و دوستانی که می‌دانند سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ پر از ایده‌های معیوب است، در این نُه حوزه تمدنی شروع کنند مطالعاتی را بر مبنای همان روش تحقیق فقهی انجام بدهند.

۳/۱. حوزه مدیریت و سیاست؛ اولین حوزه اصلی تمدن اسلامی

حوزه اول عبارت است از حوزه مدیریت امامت و سیاست. این مهم‌ترین حوزه تمدن‌سازی است. ما با الگوهای مدیریتی، الگوهای سیاسی و الگوهای رهبری مبتنی بر لیبرال دموکراسی، نمی‌توانیم به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم. اولین لازمه حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، احیای "مفهوم امامت" در جامعه است. "مفهوم امامت" در همه حوزه‌ها باید تئوریزه شود و در مورد آن گفتگو شود و به جای مفهوم "رهبری" و "دموکراسی" و مجموعه مفاهیمی که در حوزه مدیریت و سیاست الآن دارد دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود؛ مورد بازخوانی قرار بگیرد. این یک حوزه مهم است. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که در "حوزه سیاسی" داریم از مدل‌های "لیبرال دموکراسی" استفاده می‌کنیم و از یک طرف دیگر هم ادعای رفتن به سمت تمدن نوین اسلامی داشته باشیم! چطور در حوزه "ولایت فقیه"، تئوری فقهی را تئوریزه کردیم و به پذیرش رساندیم؟ در سایر حوزه‌ها هم باید "تئوری سیاسی مبتنی بر امامت" را تئوریزه کنیم و در اختیار جامعه قرار بدهیم. این یک سرفصل است.

۳/۲. فلسفه علم، ماهیت علم و طبقه‌بندی دانش؛ دومین حوزه اصلی تمدن اسلامی

و سرفصل دیگری که در حوزه تمدن اسلامی باید موضوع مطالعه باشد و در مورد آن گفتگو کنیم، سرفصل فلسفه علم، ماهیت علم و طبقه‌بندی دانش است. من همیشه یک سوالی را مفتخر بودم که



از نخبگان عزیز کشورمان بپرسم و امروز هم در این جلسه این سوال را در محضر شما تکرار می‌کنم و آن عبارت از این است که: چرا ما باید علوم را به سه دسته "علوم انسانی"، "علوم پایه" و "علوم تجربی" تقسیم کنیم؟ آیا با پذیرش "طبقه‌بندی فعلی علم"، می‌توانیم ادعای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را داشته باشیم؟ یا نه؛ اولین لازمه حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی تغییر در طبقه‌بندی علم است؟ حالا به شرحی که ما در بحث‌های تفصیلی عرض کرده‌ایم، شارع محترم حداقل ما را به یادگیری ۹ دسته دانش دعوت می‌کند و اساساً این گزاره مدرنی که در ذهن همه ما تثبیت شده که علوم سه دسته‌اند، بزرگ‌ترین مانع برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی است!

هم خود و هم فرزندان ما الآن اینطور هستند که وقتی می‌خواهند در یک رشته دانشی درس بخوانند در این خط‌کشی بزرگ دانشمندان پوزیتویستی انتخاب رشته می‌کنند. به ما پیشنهاد می‌کنند که یکی از رشته‌های علوم تجربی یا علوم انسانی یا علوم پایه را برای تحصیل انتخاب کنیم.

من اینجا می‌خواهم از محضر شما اجازه بگیرم و با صراحت بیشتری بحث کنم: حتی برخی از جریان‌هایی که به دنبال اسلامی کردن علوم هستند، ایده آنها برای اسلامی کردن علوم این است که "علوم پایه اسلامی"، "علوم تجربی اسلامی" و "علوم انسانی اسلامی" را تولید کنند! درحالی که سوال اصلی این است که آیا اسلام چنین طبقه‌بندی از علم را امضاء می‌کند؟ یا نه؛ وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که دائماً خودشان را با صفت "مدینه العلم" معرفی می‌فرمودند، واضع یک طبقه‌بندی جدیدی از علم هستند؟

من به صورت صریح این سوال تلخ را می‌پرسم: چرا بعد از چهل سال از انقلاب اسلامی، نخبگان ما سوالی "طبقه‌بندی مدنظر شارع در حوزه علم" را مطرح نمی‌کنند؟! یا باید از "شعار اسلامی کردن جامعه" دست برداریم و یا اگر قبول داریم که جامعه را می‌خواهیم با نگاه اسلامی اداره کنیم؛ به نظر من مهم‌ترین سوالی که باید از شارع پرسید این است که: نظر شارع در مورد علم چیست؟ شارع ماهیت علم را چه می‌داند؟ شارع درباره طبقه‌بندی علم چه دیدگاهی را تئوریزه و تصویر کرده است؟ اگر این سوال را نپرسیم - که [متأسفانه] نمی‌پرسیم! - بنابراین حرکت ما به سمت تمدن نوین اسلامی دچار کندی خواهد شد.

آیا تصور شما هم بر این است که در تمدن نوین اسلامی هم سه دسته علم بر زندگی مردم حاکم است؟ آیا شما هم از این گزاره مشهور پر از خدشه و پر از عیب تبعیت می‌کنید؟ اگر چنین است، من عرض



می‌کنم که شما اگرچه می‌خواهید به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنید، ولی خروجی کار شما بعد از مدتی، بن‌بست و ایجاد کندی‌های فراوان خواهد بود.

بنابراین حوزه علم و دانش کشور باید با گفتگوهای عمیق در کشور بازتعریف شود. اخیراً در این مناظراتی که جریان‌های تمدنی در کشور در حوزه‌های تراریخته‌ها و طب اسلامی و بعضی از حوزه‌های معماری شروع کرده‌اند، من مشاهده کردم که بعضی از مسئولین کشور، حتی همین گزاره‌های محدود استنباط‌شده از وحی را - که جریان‌های تمدنی زحمت کشیده‌اند و آن را آماده و تبویب کرده‌اند و در جامعه مطرح می‌کنند - تحت عنوان «شبه علم» از آنها یاد می‌کنند! در حالیکه واقعیت مطلب این است که «شبه علم»، [متعلق به] کسی است که اشراف به مسائل ندارد. و «علم» متعلق به کسی است که اشراف به مسائل دارد، و تنها خداوند و رسولانش اشراف به مسائل دارند.

لذا عرض بنده این است که: اگر شما ماهیت «علم موجود» و ماهیت «روش تحقیق موجود» و ماهیت «طبقه‌بندی موجود» را با علامت سوال روبرو نکنید، علم موجود و دانشمندان پوزیتیویستی موجود، ماهیت علم شما را زیر سوال می‌برند و به شما برچسب «شبه علم» می‌زنند. بنابراین آغاز گفتگوها در حوزه «فلسفه علم»، در حوزه «طبقه‌بندی علم» و در حوزه «روش تحقیق» گریزناپذیر است. این گفتگوها قابل اغماض نیست. ما نمی‌توانیم مثل رئیس جمهور سابق کشور اظهار نظر کنیم که مثال ساده‌ای می‌زدند در مورد اینکه: «علم چاقو» است و در همه حوزه‌ها، هم جریان دینی می‌تواند از آن استفاده کند، هم جریان غیر دینی. «خیر! علم، چاقو نیست. بلکه» گزاره‌های کسی که اشراف به عالم ندارد، پر از تالی فاسد است [و نمی‌توان آن‌ها را «علم» نامید]. اما گزاره‌های کسانی که اشراف علمی به عالم دارند، دقیق و کاربردی است و ریشه مسائل را برای ما واضح می‌کند و کمک می‌کند به اینکه مسائل را حل و فصل کنیم. پس این هم یک حوزه است.

۳/۳. تزکیه، پاک‌سازی، طهارت و نظافت؛ سومین حوزه اصلی تمدن اسلامی

حوزه سوم تمدنی، حوزه «تزکیه، پاک‌سازی، طهارت و نظافت» است. ما بدون توجه به مفهوم تزکیه و مفهوم طهارت نمی‌توانیم به سمت تمدن اسلامی حرکت کنیم. اما باید توجه کنیم که «طهارت» فقط «وضو» و «غسل» نیست؛ طهارت مفهوم بزرگی است که انبیای الهی مطرح می‌کنند. طهارت در آیات



و روایات به عنوان زیرساخت فهم انبیاء مطرح شده است.^۹ طهارت، حوزه‌های مختلف بحث- نشده‌ای دارد که باید به آن پرداخت.

همان‌گونه که عرض کردم فعلاً با تتبع فقهی‌ای که ما انجام داده‌ایم، مراد از "طهارت"، یازده نوع طهارت است که باید درباره آن بحث کنیم. چرا ما طهارت را باید محدود به وضو و غسل بینیم؟! البته من قبول دارم که وضو و غسل، مهمترین طهارت‌های پیشنهادی شارع هستند؛ ولی معنایش این نیست که شارع، طهارت در حوزه‌های دیگری را از ما مطالبه نکرده است و برنامه‌ریزی برای آنها را از ما نخواست است.

بنابراین ما به مطالعه در حوزه "تزکیه" و "طهارت" نیاز داریم. یکی از فوایدش - همین جا داخل پرائتز عرض کنم - این است که جامعه‌ای که طهارت بیشتری دارد، سطح نزاع کلامی و غیر کلامی‌اش کمتر از جامعه‌ای است که بی‌توجه به مفهوم طهارت است؛ یعنی طهارت می‌تواند برای ما «پیشگیری از جرم» ایجاد کند، می‌تواند نزاع‌های سیاسی جامعه ما را کاهش دهد. مهمترین عدم طهارتی هم که در روایات و آیات بحث شده «دعوت به خود» است. اگر خدای ناکرده دیدیم که آخر مباحثی که مطرح می‌کنیم، دعوت به شخص خودمان و دعوت به ایده خودمان است، باید بدانیم که از نظر انبیاء از مهمترین مصداق طهارت بی‌بهره شده‌ایم. این هم پس یک حوزه مهم است.

۳/۴. شغل، مکاسب، اقتصاد و تجارت؛ چهارمین حوزه اصلی تمدن اسلامی

حوزه چهارم تمدنی، حوزه «شغل، مکاسب، اقتصاد و تجارت» است. در یک دهه اخیر، همه سال‌ها نام اقتصادی پیدا کرده‌اند. سال ۱۴۰۲ هم با نام «کاهش تورم» به ما معرفی شد، و از ما خواسته شد که تلاش کنیم برای اینکه تورم کشور را کاهش دهیم. اکنون که در پایان سال هستیم سطح تورم کشور افزایش پیدا کرده است. چرا این اتفاق افتاده است؟ آیا رئیس جمهور محترم و مسئولین کشور نمی‌خواهند تورم را کاهش دهند؟ پاسخ من این است که: خیر؛ می‌خواهند کاهش دهند! پس چرا تورم کشور الان چندین برابر اول سال است؟! چرا تورم کاهش پیدا نکرده است؟

۹. ارجاع پژوهشی: إِنَّهُ لَقَوْلُكَ أَنْ كَرِيمٍ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

که یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و باارزش * [که] در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی [به نام لوح محفوظ جای دارد]. * جز پاك شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند.



بعد از اشتباهی که دولت محترم در آغاز سال ۱۴۰۰ برای آزادسازی یارانه‌های ۵-۶ قلم [کالا] انجام داد، ما با تورم سنگینی شبیه تورم دولت آقای روحانی و دولت مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی روبرو هستیم! چرا این اتفاق افتاد؟ علی‌رغم اینکه ما می‌دانیم مسئولین می‌خواهند تورم را کاهش دهند، ولی نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند! به نظر ما علت اصلی اش «استفاده از تحلیل‌های آدم اسمیتی در حوزه اقتصاد» است.

گاهی از زبان مسئولین کشور می‌شنوم که وضعیت کشور را از باب "شاخصه‌های اقتصاد کلان" ارزیابی می‌کنند. من همین‌جا با شجاعت تمام و با صراحت تمام عرض می‌کنم که: مشکل، خود مفاهیم اقتصاد کلان است. اساساً تقسیم اقتصاد به "اقتصاد توسعه"، "اقتصاد کلان"، "اقتصاد خرد"، دارای اشکالات فراوانی است. ما نمی‌توانیم بر اساس نظام شاخصه‌های اقتصاد کلان، کشور را ارزیابی کنیم و بعد بگوییم زندگی خانواده‌ها بهبود پیدا می‌کند. ما به شاخصه‌های جدیدی نیاز داریم.

۳/۵. پیشگیری از جرم، عبرت و میراث فرهنگی؛ پنجمین حوزه اصلی تمدن اسلامی

اگر شما از مفاهیم عبرت‌آفرینی استفاده کنید، می‌توانید انسان‌ها را قبل از اینکه هزینه‌های تصمیم غلط را بپردازند، از اتخاذ تصمیم غلط پشیمان کنید. به دلیل فایده‌بی‌بدیل "عبرت" در تنظیم روابط انسانی، یکی از پایه‌های اصلی تمدن‌سازی را «توجه به مفهوم «عبرت» می‌دانیم. عبرت‌آفرینی مساوی با «پیشگیری از جرم» است. عبرت‌آفرینی، مساوی با بهینه‌کردن وضعیت زندگی و افزایش سطح رفاه است.

این هم باید مورد مطالعه قرار بگیرد. من اظهار تأسف شدید خودم را نسبت به برنامه‌های توسعه‌ای که در بعد از انقلاب، سازمان محترم برنامه و بودجه نوشته است پنهان نمی‌کنم؛ سازمان محترم برنامه و بودجه یک سازمان آمریکایی است! به این معنا که مفاهیمش مفاهیم مطرح در کشور آمریکا است. بسیاری از کارشناسانی که آنجا هستند «نهادگرا» هستند. تولد نهادگرایی در کشور آمریکا است. [نهادگرایی] یک مفهوم [و نگاه] بخشی بسیار ناقصی به حوزه توسعه و حوزه اقتصاد است. دوستان ما که برنامه‌های توسعه را با این نگاه‌های آمریکایی نوشته‌اند، هیچ وقت در طول ۴۵ سال گذشته یک حکم برای عبرت‌آفرینی پیشنهاد نداده‌اند؛ چون اهمیت عبرت‌آفرینی را در تنظیم روابط انسانی



نمی‌فهمند. چون درباره آن اطلاعات ندارند. بنابراین ما نیازمند این هستیم که در حوزه عبرت‌آفرینی و پیشگیری از جرم، مطالعات جدیدی را با نگاه روش تحقیقی جدید خودمان آغاز کنیم.

۳/۶. تبلیغات، رسانه، بیان و شعر؛ ششمین حوزه اصلی تمدن اسلامی

ششمین حوزه‌ای که برای تمدن اسلامی از ضروریات است و باید به آن توجه کنیم، حوزه «تبلیغات، رسانه، بیان و شعر» است. اگر خواستید درک روشن‌تری از مسئله تمدن اسلامی در ذهن‌تان داشته باشید، خواهش می‌کنم به این شاخص مهم فقهی توجه کنید که انسان‌های تمدنی انسان‌هایی هستند که قدرت کلامی بالایی دارند و از ابزار شعر و غیر شعر [به خوبی] استفاده می‌کنند و می‌توانند مفاهیم خودشان را در سطح بالایی به مخاطب خودشان القاء کنند.

علت بسیاری از اختلالات خانوادگی این است که زن و شوهر نمی‌توانند منظور خودشان و مفاهیم خودشان را به همدیگر منتقل کنند. همین‌گونه خانواده‌ها [نیز] نمی‌توانند با فرزندان خودشان در این حوزه صحبت کنند. من اجازه می‌خواهم یک اعتراف تلخ بکنم؛ نسل ما به دلیل عدم تسلط به مهارت‌های کلامی، یک نسل ضربه‌دیده است. در حالیکه وقتی حتی به دوره قاجار - که به لحاظ سیاسی، ما مشکلات فراوانی با دوره قاجار داریم - رجوع می‌کنیم، مردمان دوره قاجار، شاعرتر و ادیب‌تر هستند و در بحث‌های کلامی، دقیق‌تر هستند.

بنابراین تمدن اسلامی را نمی‌توانیم در وضعیت «کلی‌گویی» نگه داریم؛ وقتی می‌گوییم باید به سمت تمدن اسلامی حرکت کنیم، یعنی باید سطح ادبیات مردم ایران بالا بیاید. این هم یک بحث مهمی است.

چون ممکن است من فرصت نکنم این [مطلب] را در [ادامه] جلسه توضیح بدهم، خواهش می‌کنم [به این] توجه کنید که از نظر آیات و روایات، نقطه آغاز ارتقاء مهارت‌های کلامی، مسلط کردن افراد به «طرائف الحکم» یا با ترجمه فارسی به ضرب‌المثل‌ها است؛ به هر میزانی که ضرب‌المثل‌ها در جامعه گسترش پیدا کنند، اقناع و تفاهم در جامعه ما زیادتر می‌شود.

البته الان در انیمیشن‌هایی مثل «مَثَل‌آباد» و شبیه آن، ضرب‌المثل‌های دوره قدیم ایران، برای بچه‌ها بازخوانی می‌شود، اما این کفایت نمی‌کند. عمده این است که ابتدا کتابی در مورد ضرب‌المثل‌های



انبیاء داشته باشیم،^{۱۰} سپس ضرب المثل‌های زبان فارسی را شروع [به گردآوری در جلد دوم کتاب] بکنیم، و بعد هم در جلد سوم ضرب المثل‌ها «ضرب المثل‌های سایر ملت‌ها» را برای تفاهم بین‌المللی احیا بکنیم. این هم یک حوزه مهمی است. پس تمدن اسلامی نمی‌تواند بی‌توجه به موضوع «بیان» شکل بگیرد. این هم یک مسئله مهم است.

۳/۷. نظم اختیاری، قانون‌گذاری کم، تنظیم وقت؛ هفتمین حوزه اصلی تمدن اسلامی

حوزه هفتم تمدنی حوزه «نظم اختیاری، قانون‌گذاری کم، و تنظیم وقت» است. ما باید این شاخص را احیاء کنیم. به هر میزانی که افراد قدرت توزیع وقت بهتری دارند، قدرت منظم کردن زندگی خودشان را دارند و می‌توانند آن نصیحت امیرالمومنین علیه السلام - که فرمود «و نظم أمرکم»^{۱۱} - را در دستور کار خودشان قرار دهند؛ به همان میزان پیشرفته‌تر و تمدنی‌تر هستند.

بنابراین باید به مفهوم «قانون» هم با نگاه جدیدی فکر کرد. من همین‌جا به مناسبت اینکه کشور ما در آستانه انتخابات است، این توصیه را عرض می‌کنم و امیدوارم نخبگان کشور ما [آن را] بشنوند: مشکل کشور ایران با وضع قوانین متعدد حل نمی‌شود. استحضار دارید که از دوره قاجاریه تا به حال، حدود ۱۰۰ هزار بسته قانونی را در کشور تصویب کرده‌ایم! یعنی کشور ایران هم‌اکنون با پدیده "تورم قانون" روبرو است. آیا شما می‌خواهید با تشکیل مجلس آینده ۴۰۰ بسته قانونی به این کوه عظیم قانون، اضافه کنید؟! اگر این کار را بکنید، معنایش این است که بی‌نظمی را برای جامعه

۱۰. کار تحقیقاتی آن در مدرسه هدایت، در حال اتمام است.

انتقال از متن

^{۱۱} «ارجاع پژوهشی: و من وصیة له ع للحسن و الحسنین ع لما ضربه ابن ملجم لعنه الله: أوصیکم بتقوی الله و ألا تبغیا الدنیا و إن بعتکم و لا تأسفک علی شیء منها زوی عنکم و قولاً بالحق و أعمالاً للأجر و کوناً للظالم خصماً و للمظلوم عوناً أوصیکم و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم أمرکم و صلاح ذات بینکم».

از وصیت‌های امیرالمومنین (علیه السلام) است به حسن و حسین علیهما السلام وقتی که ابن ملجم لعنة الله علیه به او ضربت زد: شما را به تقوای الهی سفارش می‌نمایم، و اینکه دنیا را مجوید گرچه دنیا شما را بجوید، و بر آنچه از دنیا از دستتان رفته متأسف نباشید. حق بگوید، و برای ثواب الهی بکوشید. دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده باشید. شما و همه فرزندان و خاندانم و هر که این وصیتم به او می‌رسد را به تقوای الهی، و نظم در زندگی، و اصلاح بین مردم سفارش می‌کنم...

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۴۲۱ / نامه ۴۷



خودتان تئوریزه کرده‌اید. قانون، زمانی منشأ نظم می‌شود که کم و قابل مطالبه باشد. قانون، زمانی منشأ نظم است که درون‌متناقض نباشد. وقتی شما پدیده «قانون زیاد» را می‌پذیرید، هم درون‌متناقض می‌شود، هم قابلیت مطالبه‌اش از بین می‌رود. بنابراین در نهایت، منجر به ایجاد نظم نمی‌شود.

من همیشه [این] مثال [را] زده‌ام که تقریباً بیست سال پیش، یکی از مجالس کشور ما قانون جامعی دربارهٔ خانواده تصویب کرد. در آن [قانون] دیده شده بود که شغل، خانه و همه امکانات زندگی را به زوج‌های جوان بدهند. اما شما مردم ایران از اجرای این قانون خبر ندارید! چرا این اتفاق افتاد؟ چون این قانون به وسیله ده‌ها بستهٔ قانونی دیگر دفن شد و به فراموشی سپرده شد!

بنابراین پیشنهاد ما این است که الگوی قانونگذاری کشور تغییر کند. مهمترین تغییری هم که پیشنهاد می‌دهیم این است که: مجلس آینده فقط به تصویب قوانین مادر و اصلی بپردازد. پدیده تصویب قوانین زیاد، ضد نظم است و این مسأله در هیچ جای دنیا حل نشده است. اساساً مجالس مدرن یعنی بی‌نظمی مدرن! اگر واقعاً ایجاد نظم در جامعه را می‌خواهیم، باید حتماً کم قانون تصویب کنیم. حتماً روایات [مربوطه] را دیده‌اید؛ بعضی از انبیاء گذشته [فقط] ده قانون اصلی داشته‌ند! بعضی از انبیاء گذشته هفت قانون [اصولی] داشته‌اند! ولی آنها را به جدّ جدی می‌گرفتند و پیگیری می‌کردند.^{۱۲}

۱۲. **ارجاع پژوهشی:** قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَ إِيَاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَنَكُمْ تَعْلَمُونَ بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از [ترس] تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم، و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید، و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا ببینیدشید.

سوره مبارکه انعام، آیه ۱۵۱

عَلَيْهِ بُنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الْكَبَائِرُ الْفُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ الْيَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ طُلْمًا وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَ الْفِرَازُ مِنَ الرِّخْفِ ...

امام صادق علیه السلام میفرمود: گناهان کبیره، نومیدی از رحمت خداست (در دنیا) و یأس از مرحمت او (در آخرت) و ایمنی از مکر خدا (یعنی از عذاب او) و قتل نفسی که خدا حرام کرده و نافرمانی پدر و مادر و خوردن مال یتیم بنا حق و خوردن ربا بعد از دانستن و تعرب بعد از هجرت و متهم ساختن زن پاکدامن و فرار از جهاد.

الکافی، ج ۲، ص ۲۸۰



مثلاً از جمله قوانین همه انبیاء، «مبارزه با ربا» بوده است. از نظر تفکر پیشرفته انبیاء، حذف ربا برابر با ایجاد صدها نوع آبادانی در جامعه است، و لازم نیست ما برای آن صد حوزه به صورت مجزا برنامه‌ریزی کنیم؛ فقط کافی است ربا را حذف کنیم.

یکی دیگر از تعالیم اصلی انبیاء در قانون‌گذاری این است که: مواجهه شدیدی با پدیده قتل در جامعه داشته‌اند؛ به سختی با کسی که جان دیگران برایش محترم نبود، برخورد می‌کردند، و به تعبیر قرآن «حیات» را به ارمغان می‌آوردند.^{۱۳} اگر ما بتوانیم با کسانی که قتل برایشان مثل آب خوردن است مواجهه جدی داشته باشیم، صدها نوع خیرات فقط در اثر اجرای این یک قانون به ارمغان خواهد آمد.

یک قانون مهم دیگری که انبیا داشتند [این بود که] مردم را از همجنس‌بازی و زنا پرهیز می‌دادند. این هم یکی از قانون‌های مهم انبیاء بوده است. وقتی مسیر صحیح اطفال غریزه جنسی در یک جامعه شکل بگیرد، همه سود می‌برند، اما اگر ولنگاری در اطفال غریزه جنسی تئوریزه و خدای ناکرده نهادینه شد، همه خصوصاً قشر خانم‌ها و کودکان ضرر می‌بینند؛ همان تجربه‌ای که الان در کشورهای غربی داریم.

بنابراین نیاز داریم که فقط راجع به قوانین اصلی فکر کنیم. جامعه ایران می‌تواند در آینده خودش، ۴۰۰ - ۵۰۰ بسته قانونی جدید به حدود ۱۰۰ هزار بسته قانونی [فعلی] اضافه کند، و جامعه خودش را نامنظم‌تر کند. و می‌تواند الگوی تقنین و قانون‌گذاری را به سمت قوانین مادر و اصلی هدایت کند.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْكِبَائِرِ فَقَالَ هُنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَ سَبْعُ الْكُفْرِ بِاللَّهِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ الْفِرَاقُ مِنَ الرَّحْفِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ.

عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام راجع بکبائر پرسیدم، فرمود: آنها در کتاب علی علیه السلام هفت است: ۱- کفر بخدا. ۲- آدم کشی. ۳- نافرمانی پدر و مادر. ۴- خوردن ربا بعد از دانستن. ۵- خوردن مال یتیم بناحق. ۶- فرار از جهاد. ۷- تعرب بعد از هجرت.

الکافی، ج ۲، ص ۲۷۸

۱۳. ارجاع پژوهشی: وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص مایه زندگی است، باشد که [از ریختن خون مردم بدون دلیل شرعی] پرهیزید.

سوره مبارکه بقره، آیه ۱۷۹



با توجه به مجموعه شرایطی که کشور ایران دارد، پیشنهاد شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی برای مجلس آینده «تقنین گذاری در پانزده حوزه مادر» است. در جلسات دیگری باید این را شرح دهیم.

۳/۸. ارزیابی، تعریف شاخص و ارتقاء قدرت فرقان در مردم؛ هشتمین حوزه اصلی

تمدن اسلامی

حوزه هشتم، حوزه «ارزیابی، تعریف شاخص و ارتقاء قدرت فرقان در مردم» است. استحضار دارید که ارزیابی پیش میزان پیشرفت جوامع بر اساس شاخص‌هایی اتفاق می‌افتد. سوال مشخص من این است که آیا شاخص‌های فعلی ارزیابی پیشرفت در کشور ما صحیح است؟ یا اینکه ما نیاز به شاخص‌های جدیدی برای ارزیابی داریم؟ آیا ما می‌توانیم به محوریت این شاخص‌ها پیشرفت کشورمان را ارزیابی کنیم؟

یک بسته شاخصه‌ای که الان در کشور ما رواج دارد و در زمان مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی - که ایشان تسلطی به مفاهیم توسعه غربی داشتند - در کشور ما رواج پیدا کرد بسته شاخص‌های WDI (Word Development Indicators) ^{۱۴} است. الان مبنای ارزیابی بعضی از دستگاه‌های ما همین است. سوال ما این است که: آیا ما می‌توانیم وضعیت کشور را بر اساس شاخص‌های WDI ارزیابی کنیم؟ یا اینکه می‌توانیم یک الگوی ارزیابی جدیدی را پیشنهاد کنیم؟ این هم نهمین حوزه تمدنی است.

^{۱۴} . ارجاع پردازشی: WDI: World Development Indicators (شاخص‌های توسعه جهانی)

The World Development Indicators is the primary World Bank collection of development indicators, compiled from officially-recognized international sources. It presents the most current and accurate global development data available, and includes national, regional and global estimates

شاخص‌های توسعه جهانی مجموعه اولیه شاخص‌های توسعه بانک جهانی است که از منابع بین‌المللی به رسمیت شناخته شده گردآوری شده است. این جدیدترین و دقیق‌ترین داده‌های توسعه جهانی موجود را ارائه می‌دهد و شامل برآوردهای ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

آدرس مطلب: World Bank (پایگاه بین‌المللی اطلاعات آماری شاخص‌های توسعه جهانی / بانک جهانی)

<http://world-development-indicators>

جهت مشاهده شاخص‌های کامل WDI (شاخص‌های توسعه جهانی) به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://data.worldbank.org/indicator>



تصور رفتن به سمت تمدن اسلامی بدون بسته شاخص‌های جدید، تصویری عقیم و ناقص است. متأسفانه بعضی افراد، وقتی می‌خواهند پیشرفت کشور جمهوری اسلامی را در چهل سال گذشته ارزیابی کنند، بر اساس شاخص‌های توسعه غربی ارزیابی می‌کنند! در حالی که می‌شود با مدل جدیدی هم ارزیابی کرد. این یک حوزه مهم است. بنابراین باید راجع به اینکه شاخص‌های ارزیابی چه باشند گفتگو کنیم.

۳/۹. پدافند غیر عامل، امنیت و نفی سبیل؛ نه‌مین حوزه اصلی تمدن اسلامی

آخرین حوزه تمدنی که در حوزه علمیه قم آن را تئوریزه کرده‌ایم و برای آن، نظریه فقهی تولید کرده‌ایم، حوزه «پدافند غیر عامل، امنیت و نفی سبیل» است. فکر می‌کنیم نحوه ایجاد امنیت به محوریت مانیتورینگ، به محوریت هوش مصنوعی و به محوریت سلاح، الگوی معیوبی است. [الگوی مطلوب،] امنیت به محوریت اعتماد و به محوریت تنظیم روابط انسانی است که توسط انبیاء توصیه شده است. شرح آن را باید در جلسه دیگری محضرتان مطرح کنم.

از اینکه شما تحمل کردید تا سوال دوم را هم پاسخ دهم، از همه شما تشکر می‌کنم. خلاصه سوال ما دوم ما این است که: ما برای دستیابی به تمدن اسلامی نیاز داریم در این نه حوزه مطالعه کنیم. هیچ کدام از این حوزه‌ها قابل حذف نیستند. آری؛ می‌پذیریم که در مباحثات تکمیلی، [امکان دارد که] حوزه‌های جدیدی [هم به این نه حوزه] اضافه شود، ولی هیچ کدام از این نه حوزه را نمی‌شود حذف کرد.

حالا به عنوان نمونه، برنامه هفتم کشور را مطالعه کنید! آیا در برنامه هفتم کشور، این حوزه‌ها [ی نه‌گانه] هست یا نیست؟ شما در انتخابات آتی نامزدهایی که می‌خواهید به آنها رأی بدهید را بر اساس این حوزه‌های تمدنی ارزیابی کنید؛ آیا نامزد مورد نظر شما به این حوزه‌ها [ی تمدنی] توجه دارد؟ اگر توجهی ندارد، ما نمی‌توانیم با این نامزد انتخاباتی، به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم. بنابراین مهم است که نگاه ما کامل شود.



من در پایان این بخش دوم، جمله‌ای را بگویم که بسیار بحث مهمی است. بعضی از دوستان از ما پرسیده‌اند: چرا روی این نه حوزه تمدنی خیلی تأکید دارید؟ ما در پاسخ به این سوال مهم همیشه عرض کرده‌ایم: اولاً: ما قائل نیستیم که فقط این نه حوزه وجود دارد؛ بلکه قائل هستیم این نه حوزه قابل حذف نیست. ثانیاً: اگر شما طبقه‌بندی شارع از احکام خودش را ببینید، می‌توانید این طبقه‌بندی دانشی را تکمیل کنید.

استحضار دارید که شارع محترم در مجموعه‌ای از روایات، روی این مسئله تأکید کرده است که: «اساس اسلام، پنج موضوع صلات، زکات، حج، صوم و ولایت است.»^{۱۵} ما اعتقاد داریم کسی که این پنج حوزه را مطالعه کند، می‌تواند به طبقه‌بندی جدید دانش دست پیدا بکند.

حتماً روایات ذیل آیه ۴۱ سوره حج را مطالعه فرموده‌اید؛ آنجا تصریح دارد که وقتی حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف می‌آورند، الگوی حکومتی ایشان چهار بخش دارد. «الَّذِينَ إِن مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ آیه می‌فرماید: وقتی حضرت ولی عصر علیه السلام ظهور کنند، دنیا را بر اساس سند ۲۰۳۰ اداره نمی‌کند^{۱۶} و

۱۵. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الزِّيَادِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: بَنِيَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدِّي بِالْوَلَايَةِ.

امام باقر (علیه السلام): اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و هیچ یک آنها آن گونه که ولایت مطرح شده است مطرح نگشته است.

الكافي، ج ۲، ص ۱۸

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: بَنِيَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدِّي بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَزْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ يَغْنِي الْوَلَايَةَ.

الكافي، ج ۲، ص ۱۸ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶

۱۶. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ أَيْضاً حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ كَثِيرِ بْنِ عَيَّاشٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ «الَّذِينَ إِن مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» قَالَ: هَذِهِ لَأَلِ مُحَمَّدٍ وَ الْمُهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يُمَلِكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُبَيِّثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَثَرَ مِنَ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

امام باقر (علیه السلام): این آیه، برای خاندان محمد و مهدی و یارانش است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را به تسلط آنها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند عز و جل به دست او و یارانش، بدعت‌گذاران و باطل‌پویان را می‌میراند، همان گونه که



"الگوی حکمرانی سازمان ملل" را قبول نمی‌کند. [بلکه] ایشان روی چهار موضوع "صلات"، "زکات"، "امر به معروف" و "نهی از منکر" برنامه‌ریزی می‌کنند و وضعیت جهان را اصلاح می‌کنند. اما سوال من این است که: چرا ما به این چهار موضوع توجه داریم؛ ولی نمی‌توانیم وضعیت را اصلاح کنیم؟! چرا حوزه‌های علمیه درس خارج صلوات و زکات و امر به معروف و نهی از منکر دارند، ولی نمی‌توانند جامعه را به سمت اصلاح ببرند و کشور ما برای اداره امور خودش مبتلا به الگوهای توسعه غربی است؟

پاسخش این است که: مطالعه ما درباره این موارد، محدود به کشف معذور و منجز است. اگر سطح مطالعه‌مان در مورد پایه‌های پنج‌گانه اسلام و الگوی مدیریتی حضرت ولی عصر^{علیه‌السلام} ارتقاء پیدا کند، از دل آنها می‌توانیم ارکان تمدن اسلامی را استخراج کنیم.

این نه حوزه نیز نه رکن این فرائض خمس است؛ مثلاً: "فقه التزکیة"، حدّ کبیر "طهارت" است که در "صلوات" مطرح شده است. یا ما اینجا یک باب فقهی تحت عنوان مسئله "فقه النظم" داشتیم؛ فقه النظم، حدّ کبیر "وقت" در صلوات است. ما آنجا [اینها را] مطالعه کردیم، سپس تحت عنوان "فقه النظم" تبویب کردیم.

نابخردان، حق را میرانده‌اند تا آن جا که اثری از ستم، دیده نشود و به نیکی فرمان می‌دهند و از زشتی باز می‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداوند است.

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۳۹

بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵ / إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات (شيخ حر عاملی، ۱۱۰۴ ق)، ج ۵، ص ۱۸۹ / البرهان في

تفسير القرآن، ج ۳، ص ۸۹۲ / تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۱۱۲

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَاوِدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ» وَ هَذِهِ الْآيَةُ لِأَكْلِ مُحَمَّدٍ ع إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُمَيِّتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابِهِ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّقَّةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَتْرٌ لِلظُّلْمِ.

امام باقر (علیه السلام): این آیه، برای خاندان محمد و مهدی و یارانش است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را به تسلط آنها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند عز و جل به دست او و یارانش، بدعت‌گذاران و باطل‌پویان را می‌میراند، همان گونه که نابخردان، حق را میرانده‌اند تا آن جا که اثری از ستم، دیده نشود.

تفسير القمي، ج ۲، ص ۸۷

بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷ / البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۸۹۳ / تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۵۰۶ / تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب،

ج ۹، ص ۱۱۰



یا [مثلاً]: "فقه المکاسب"، مطالعه عمیق و تفصیلی در "زکات" است. مجموعه آیات و روایات در باب "زکات"، قدرت هم‌آوردی با الگوهای اقتصادی لیبرالیستی و نهادگرایی و کینزی و نئوکینزی و فریدمنی و ... را دارد؛ مشروط به اینکه در مقام مطالعه روایات زکات، فقط بخش معدّر و منجز زکات را مطالعه نکنیم؛ [بلکه] همه روایات مرتبط با زکات را مطالعه کنیم. همه این حوزه‌های نُه‌گانه‌ای که گفتیم، ما این‌ها را از "صلات" و "زکات" استنباط و تبویب کرده‌ایم. تاکنون نیز طبق آینده نقشه فقهی ما ۲۳ حوزه تمدنی وجود دارد، ولی به دلیل قاعده «بیان مبتنی بر ظرفیت»، تفاهم را از این نُه حوزه شروع کرده‌ایم. این هم پس پاسخ به سوال دوم.



۴. سوال سوم: اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی کدام است؟

من با سرعت به سوال سوم جلسه نیز پاسخ بدهم و بعد از محضر شما استفاده بکنم. همانطور که دیدید و فی‌الجمله استماع و مشاهده کردید، حوزه‌های تمدنی، حوزه‌های وسیعی هستند؛ حداقل نه حوزه است. همان‌گونه که اول عرایض اشاره کردم این نه حوزه هم حدود ۱۰۰ نظریه می‌شود. به صورت طبیعی [روشن است که] نمی‌توانیم اصلاح را از این ۱۰۰ حوزه شروع کنیم. بنابراین با یک الگوی خاصی، ما شروع به گزینش این نظریات کردیم و ۱۲ تحول مهم را برای نقطه آغاز دستیابی به تمدن اسلامی پیشنهاد دادیم. من عناوین این دوازده تحول را محضر شما می‌شمارم، سپس از محضرتان مرخص می‌شوم.

۴/۱. تحول در تقسیمات شهری و مدیریت شهری؛ اولین اولویت تمدنی

اولویت اول «تحول در تقسیمات شهری و مدیریت شهری» است. تمدن اسلامی، «تقسیمات شهری بزرگ» ندارد؛ تمدن اسلامی «تقسیمات شهری کوچک» دارد. نمی‌توانیم بگوییم به سمت تمدن اسلامی حرکت می‌کنیم؛ اما شهر تهران را به ۳۰ منطقه تقسیم کرده باشیم، یا شهر قم را به ۸ منطقه تقسیم کرده باشیم.

تقسیم شهری بزرگ اولاً به معنای افزایش هزینه‌های اداره جامعه است. ثانیاً به معنای کاهش خدمات حاکمیت به مردم است. بنابراین در نقطه آغاز تمدن‌سازی، پیشنهاد می‌کنیم مطالعات مرتبط با تقسیمات شهری کوچک - که از آن به عنوان مفهوم «محله» یاد می‌کنیم - در دستور کار همه نخبگان کشور قرار بگیرد. طبق مطالعه‌ای که در سال ۹۵ انجام دادیم، پیشنهاد ما این است شهر تهران به هزار محله تقسیم شود، و ارائه خدمات و حل مسائل مردم به صورت غیرمتمرکز در این هزار محله صورت بگیرد.

اگر شما تقسیم شهری بزرگ را بپذیرید؛ خدمات شما به مردم، محدود به همین هشت حوزه‌ای می‌شود که الان در شهرداری‌ها [انجام می‌شود؛ نظیر اینکه] زباله مردم را جمع می‌کنید، حمل و نقل مردم را تسهیل می‌کنید، مجوزهای ساخت و ساز را می‌دهید، و اموری شبیه به این موارد را مدیریت

۴/۱/۱. عدم تحقق تمدن اسلامی در صورت مدیریت شهری بر اساس تقسیمات شهری بزرگ

۴/۱/۲. افزایش هزینه‌های اداره شهر، کاهش خدمات حاکمیت به مردم، ایجاد چالش در هویت مردم و ایجاد گمنامی؛ نمونه‌هایی از عواقب مدیریت شهری بر اساس تقسیمات شهری بزرگ



می‌کنید. در حالیکه شما نمی‌توانید بگویید که در حال ارائه خدمات تربیتی به مردم تهران هستید. نمی‌توانید بگویید در حال ارائه خدمات حوزه‌های نُه‌گانه - خدماتی که عرض کردم - به مردم هستید. پس حتماً به عنوان اولین تحول، به دنبال ایجاد تقسیمات شهری کوچک باشید.

پیشنهاد ما طبق مطالعه سال ۱۴۰۰ برای شهر قم این است که قم به ۵۰۰ محله تقسیم شود و ما رسیدگی به مردم و حل مسائل مردم را در قالب تقسیمات شهری کوچک آغاز کنیم. استدلالش خیلی ساده است؛ وقتی تعداد جمعیت در یک تقسیم شهری بزرگ زیاد می‌شود، به صورت طبیعی رسیدگی حداقلی می‌شود. اضافه بر اینکه "هویت" دچار چالش می‌شود؛ وقتی افراد در تقسیمات شهری بزرگ زندگی کنند، با "پدیده گمنامی" زندگی خود را به پایان می‌رسانند. پس این مطلب، آغاز تحولات است.

۴/۲. تحول در الگوی ساخت مسکن؛ دومین اولویت تمدنی

۴/۲/۱. لزوم قیام و مخالفت با ساخت آپارتمان در کشور و کمک کارشناسی به دولت برای ساخت خانه‌های حیاطدار (دار واسعه)

تحول دومی که باید به آن پرداخت و درباره‌اش صحبت کرد، تحول در الگوی ساخت مسکن است. همه ما باید قیام کنیم و با ساخت مجتمع‌های آپارتمانی مخالفت کنیم. [باید] سعی کنیم دولت محترم را از حیث کارشناسی کمک کنیم تا برای مردم خانه‌های حیاطدار بسازد.

۴/۲/۱/۱. تفریح بیشتر،
تربیت بهتر، نزاع کمتر،
زباله کمتر، حریم
خصوصی بیشتر، معیشت
بهتر؛ برخی از فوائد
خانه‌های حیاطدار
(دارواسعه)

در خانه حیاطدار، تفریح بیشتری به مردم داده می‌شود، تربیت بهتری برای فرزندان مردم رقم می‌خورد، نزاع کمتری به وجود می‌آید، تولید زباله کمتری اتفاق می‌افتد. در خانه‌های حیاطدار می‌توانیم پدیده اقتصاد معیشتی و تولید غیر متمرکز را احیاء کنیم، می‌توانیم حریم خصوصی افراد را افزایش دهیم.

به خلاف مجتمع‌های آپارتمانی که افراد را با حریم کمتر و با تفریح کمتر و با تربیت حداقلی و با تولید زباله بیشتر مبتلا کرده است.

بنابراین وقتی صحبت از تمدن اسلامی می‌شود، بنده به هیچ عنوان نمی‌پذیرم که جریان‌های تمدنی متهم به اجمال‌گویی و کلی‌گویی شوند. پیشنهادات مشخصی وجود دارد که دومین پیشنهاد آن، همین حوزه [مسکن] بود.



۴/۳. تحول در حوزه آموزش و پرورش و تغییر کتب درسی؛ سومین اولویت تمدنی

سومین تحول، تحول در حوزه آموزش و پرورش است. کتاب‌های درسی کشور باید تغییر پیدا کند. بچه‌های من و شما تقریباً ۱۶ هزار ساعت در آموزش و پرورش فعلی تحصیل می‌کنند! ولی اطلاعات و مهارت‌های مرتبط با زندگی را یاد نمی‌گیرند. ما باید شجاعت به خرج دهیم و مانند نسل اول انقلاب اسلامی، به سمت فتح این خرمشهرهای جدید حرکت کنیم. یکی از این خرمشهرها، آزادسازی آموزش و پرورش کشور است. وقتی می‌گوییم در آموزش و پرورش تحول اتفاق بیفتد، یعنی اینکه با کمک معلم‌ها، خانواده‌ها و دانش آموزها، کتاب‌های درسی جدیدی را در مدارس آموزش دهیم.

من امروز صبح در تلویزیون به مردم خوب‌مان عرض کردم و گفتم که مثلاً ما پیشنهاد داریم «کتاب پیشگیری از بیماری (۱)»، «کتاب پیشگیری از بیماری (۲)»، «کتاب پیشگیری از بیماری (۳)» حتماً در مدارس ما تدریس شود. جوان‌های ما گاهی دیپلم می‌گیرند، لیسانس می‌گیرند، دکترا می‌گیرند؛ ولی در حد سیکل، در مورد پیشگیری از بیماری اطلاعات ندارند! بسیاری از مردم ما بیماری‌های دیابت یا بیماری‌های فشار خون دارند. متأسفم در اینجا بگویم که میزان ابتلا به "سرطان روده"، "سرطان مثانه" و میزان ابتلاء به "بواسیر" و مجموعه‌ای از بیماری‌ها در جامعه ما، در حال افزایش است! علتش این است که سیستم آموزش و پرورش کشور و سیستم بهداشت کشور دچار "فقر دانشی" در حوزه پیشگیری از بیماری است!

برای بار چندم، وزارت بهداشت کشور را نصیحت می‌کنم، برای این دوستان خیرخواهی می‌کنم و از آنها تقاضا می‌کنم که: برنامه‌های منجر به ارتقاء پیشگیری [از بیماری] در جامعه را افزایش دهند. اگر این دوستان در پیشگیری از بیماری دچار فقر دانشی هستند، جریان‌های تمدنی حوزه علمیه قم می‌توانند با ارائه معادلات پیشرفته، "فقر دانشی" وزارت بهداشت را در حوزه پیشگیری از بیماری برطرف کنند.

ما حتماً باید کتابهای جدیدی را برای مردم بنویسیم؛ یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها کتاب پیشگیری از بیماری است. نمی‌توانیم ادعا کنیم که در حال حرکت به سمت تمدن اسلامی هستیم؛ در حالی که

۴/۳/۱. عدم یادگیری اطلاعات و مهارت‌های مرتبط با زندگی در آموزش و پرورش؛ یکی از عوامل لزوم تحول در آموزش و پرورش و تغییر کتب

۴/۳/۲. عدم یادگیری اطلاعات مرتبط با پیشگیری از بیماری در آموزش و پرورش؛ یکی دیگر از عوامل لزوم تحول در آموزش و پرورش و تغییر کتب درسی



میزان ابتلا به بیماری‌ها در جامعه ما افزایش پیدا کند. اینها وضعیت درون‌متناقضی است که باید با کمک نخبگان در گام دوم انقلاب، آن را حل و فصل کنیم.

۴/۴. تحول در حوزه سلامت (به محوریت پیشگیری از بیماری)؛ چهارمین اولویت

تمدنی

تحول چهارمی که باید به آن بپردازیم، «تحول در حوزه سلامت» بود که الان به آن اشاره کردم. تحول در حوزه سلامت، همان‌گونه که عرض کردم، محورش پیشگیری است. خواهش می‌کنم توجه کنید که بنابر استنباط فقهی مدرسه هدایت، انبیاء چهار نوع پیشگیری از بیماری را توصیه کرده‌اند. باید درباره اینها با وزارت بهداشت گفتگو شود.

۴/۴/۱. پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی؛ اولین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش

انبیاء)

اولین نوع پیشگیری از بیماری، پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی است که روش این نوع از پیشگیری‌ها توجه به دو تا مسئله است. اولین مسئله آموزش گسترده «آداب پنجگانه انعقاد نطفه» به مردم است.^{۱۷} دومین عاملی که منجر به پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی و مدیریت آنها می‌شود،

۴/۴/۱/۱ آموزش
آداب پنج‌گانه انعقاد
نطفه و آداب دوران
حمل (طبق دانش
انبیاء)؛ دو راهکار برای
پیشگیری از بیماری‌های
مادرزادی

۱۷. **ارجاع پرورشی:** اولین بخش یا مرحله از تدابیر پیشگیری از بیماری، مربوط به «بیماری‌های پایه (مادرزادی)» است. ما به این نوع از پیشگیری، توسعه‌یافته‌تر از معانی موجود نگاه کرده‌ایم. بنده [به عنوان کسی که] با خیلی از اطباء محشورم و گفتگو می‌کنم و آرای آنها را می‌خوانم، [عرض می‌کنم که] در حوزه «پیشگیری‌های پایه»، تقریباً راه‌حل مشخصی وجود ندارد؛ نمونه‌اش همین «بیماری اوتیسم» که هیچ تحقیق جهانی مشخصی نداریم که دلیل ابتلای یک نوزاد به این بیماری را، آن‌هم از بدو تولد توضیح دهد. در واقع چون علت «بیماری اوتیسم» را نمی‌توانند تحلیل کنند، [در نتیجه] در مرحله «درمان» هم نمی‌توانند راه‌حل قطعی ارائه دهند. به عبارتی، کار همه متخصصینی که در حوزه «اوتیسم» ورود پیدا کردند، محدود به «کنترل اولیه بیماری» شده است. جدای از «اوتیسم» در بسیاری از بیماری‌ها، این «ابهام علمی» در پزشکی ما وجود دارد. به طوری که حتی با وجود تحقیقات اخیر که حوزه «ژنتیک» در «طب سلولی» انجام شده است، نمی‌توانیم بگوییم «بیماری‌های مادرزادی» چگونه اتفاق می‌افتد؟ علامت آن هم این است که نمی‌توانیم مسئله را مهار کنیم. ما بر اساس آیات و روایات معتقدیم اگر دودسته تدابیر را اعمال کنیم می‌توانیم از «بیماری‌های پایه یا مادرزادی» پیشگیری مناسبی را انجام دهیم.

اولین دسته از تدابیر این است که اهل بیت و انبیاء علیهم السلام توصیه کرده‌اند که پدر و مادر پنج نوع ملاحظه را در «زمان انعقاد نطفه» رعایت کنند که تا حد قابل توجهی «بیماری‌های مادرزادی» را برطرف می‌کند. مثلاً در روایاتمان داریم که «زمان مناسب» برای «انعقاد نطفه» موجب می‌شود که «مشکلات استخوانی و مفصلی» در «جنین» به وجود نیاید؛ یعنی ما انتخاب «زمان غلط برای انعقاد نطفه» را منشأ ایجاد «نقص عضو» خصوصاً در «انگشتان»، «پاها» و «اسکلت بدن» می‌دانیم. پس اگر ما بتوانیم در مورد حکمت‌های «زمان صحیح انعقاد نطفه» با مردم تفاهم کنیم، این نوع از بیماری‌ها مرتفع می‌شود. از باب نمونه انبیاء علیهم السلام از انعقاد نطفه در اول، آخر و وسط ماه قمری نهی کرده‌اند. اگر کسی این زمان را برای انعقاد نطفه انتخاب کند، احتمال وقوع این نوع از بیماری‌های مادرزادی در فرزندش فراوان خواهد بود.

یا مثلاً دومین نوع از ملاحظات پنج‌گانه عبارت از «انتخاب صحیح مکان انعقاد نطفه» است.



آموزش «آداب دوران حمل» است.^{۱۸} اگر آن چنان که انبیاء توصیه کرده‌اند پدیده مهم انعقاد نطفه و پدیده مهم پرستاری از مادری که در حال طی کردن دوران مبارک دوران حمل است اتفاق بیفتد، پیشگیری از بیماری‌های زیادی به شکل اولیه اتفاق می‌افتد.

این هم در پیدایش "بیماری‌های مادرزادی" مؤثر است. البته عرض می‌کنم که ما معنای "بیماری مادرزادی" را هم توسعه یافته‌تر از طب موجود می‌فهمیم؛ به طوری که هم "بیماری مادرزادی جسمی" و هم "بیماری‌های تأثیرگذار بر اخلاق و فکر" را بحث می‌کنیم. ... ما "تغذیه" را هم به عنوان عامل سوم بررسی می‌کنیم که من باید در جای خودش اینها را ارائه کنم. پس اگر کسی از طب ما بپرسد که "پیشگیری پایه" چگونه محقق می‌شود؟ اولین توصیه ما این است که "آداب انعقاد نطفه"، شامل ۵ دسته ادب را "آموزش گسترده" بدهید. می‌توانیم برای اینها، به اصطلاح شما "کارآزمایی مشترک" هم تعریف و تجربه کنیم. اگر جلساتی در آینده باشد، بنده ادله این تدابیر را بیشتر توضیح می‌دهم.

منبع: حجت الاسلام کشوری، گزارش مکتوب تبیین اجمالی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری، بابلسر، ۲ آذر ۱۴۰۲

<https://eitaa.com/olgou\۱۸۴/۴>

۱۸. **ارجاع پرورشی:** تدبیر دوم، **مراقبت‌های دوران حمل** است. از ماه اول تا ماه نهم "بارداری"، "الگوی تغذیه مناسب" از "بیماری‌های مادرزادی" جلوگیری می‌کند. باز من اینجا هم، یک مثال می‌زنم و رد می‌شوم. توصیه اصلی ما به مادرها برای تشکیل کامل "قلب"، "مغز"، "اعصاب" و "استخوان‌ها" این است که مادرها به صورت متعادل از انواع "سویق‌ها" مصرف کنند؛ یعنی اگر شما در "خانه‌های بهداشت" شهرها و روستاها به "خانم‌های باردار" این طور مشاوره بدهید که "سویق‌ها" را وارد "الگوی تغذیه" خود کنند، "نقص عضوها" به شکل قابل توجهی مدیریت خواهد شد. البته موارد دیگری هم وجود دارد که به دلیل ضیق وقت نمی‌توانم توضیح بیشتری بدهم. پس این شد "پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی" که دودسته توصیه است. من از شما تقاضا می‌کنم مطالعات خودتان را در زمینه "آداب انعقاد نطفه" و در حوزه "الگوی تغذیه" و "مراقبت‌های دوران حمل"، پیشرفته‌تر از وضعیت فعلی پیگیری کنید تا تجربیات موفق ما نسبت به درمان این بیماری‌ها به صورت عمومی در تمام کشور تکرار شود. البته در این زمینه کتاب‌های متعددی هم در مدرسه وجود دارد که می‌توانید دریافت کنید و نظرات کارشناسی خود را به ما بگویید. پس این اولین بخش از ۴ بخش "پیشگیری ساختاری از بیماری" است. بنده از مشاوره‌هایی که در "خانه‌های بهداشت" برای "پیشگیری از بیماری" به مردم داده می‌شود، کاملاً مطلع و می‌دانم که این دسته از مشاوره‌های مدنظر ما تقریباً مغفول است. ما تقریباً هیچ پزشکی در کشور نداریم که به بیمار خودش بگوید: "انعقاد نطفه غلط"، منشأ پیدایش ده‌ها نوع بیماری است. اینکه من عرض می‌کنم "فقر دانشی" وجود دارد، یک حوزه آن اینجا است. البته حدود ۲۰۰ "روایت صحیح" با مبنای "وثوق صدوری" در این زمینه داریم که تک تک اینها را باید با دقت، بحث کرد. همین بخش مربوط به "پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی"، پیشرفته‌ترین بخش پزشکی طب اسلامی است. چون ممکن است از طریق سایر بلندگوها عرایض ما را بشنوند، در اینجا به تفصیل وارد نمی‌شوم که ما چقدر از حیث تولد نوزادانی که دچار بیماری‌های مادرزادی هستند، "پسرفته" و در شرایط خیلی خطرناکی هستیم. به نظر من این یک غفلت بسیار بزرگ است که وزارت بهداشت باید بلافاصله اقدام مناسبی را در مورد آن انجام دهد. [پس] این بخش اول پیشگیری شد.

منبع: حجت الاسلام کشوری، گزارش مکتوب تبیین اجمالی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری، بابلسر، ۲ آذر ۱۴۰۲

<https://eitaa.com/olgou\۱۸۴/۴>



۴/۴/۲. پیشگیری ساختاری از بیماری (پیوست طبی برای همه طرح‌های کشور)؛ دومین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش انبیاء)

پیشگیری دوم، «پیشگیری ساختاری» است که باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. پیشگیری ساختاری یعنی چه؟ یعنی همه طرح‌هایی که در کشور نوشته می‌شود باید پیوستار سلامت داشته باشد. اگر روزی جریان تمدن اسلامی در کشور قدرت بگیرد، اجازه اجرای هیچ طرحی در حوزه ساخت و ساز و در حوزه تولید کشور را بدون پیوستار طبی نمی‌دهد. اگر قرار است برای مردم خانه ساخته شود باید با پیوست طبی ساخته شود. اگر قرار است برای مردم جاده ساخته شود، باید با پیوست طبی ساخته شود. اگر قرار است برای مردم غذا تولید شود، باید با پیوست طبی ساخته شود.

بنابراین در سطح دوم پیشگیری از بیماری، ما همه ابعاد حیات انسان را با پیوست‌های طبی تئوریزه و مدیریت می‌کنیم. این هم یک نوع از پیشگیری است.

۴/۴/۳. پیشگیری روزانه (مناسب با تمام افعال روزانه انسان)؛ سومین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش انبیاء)

سطح سوم پیشگیری از بیماری‌ها، «پیشگیری‌های روزانه» است. می‌دانید که به عدد افعالی که هر انسان انجام می‌دهد خدای متعال توصیه طبی انجام داده است. مثلاً الگوی آب خوردن می‌تواند با لحاظ ملاحظات طبی باشد، می‌تواند بدون توجه به ملاحظات طبی باشد. همه مردم در روز آب می‌نوشند؛ ولی مردم ما نمی‌دانند نوشیدن آب ملاحظات طبی دارد. خوابیدن با ملاحظات طبی باید انجام شود. صحبت کردن با دیگران باید با ملاحظات طبی انجام شود. یکی از دلایلی که حضرات معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند وقتی همدیگر را ملاقات می‌کنید با روی بشاش ملاقات کنید، با افشاء سلام ملاقات کنید؛ به دلیل این است که این دو کار باعث می‌شود شادی را به قلب مخاطب خودتان انتقال دهید؛ و این کار یک ملاحظه طبی است. بنابراین در سطح سوم پیشگیری باید به همه مردم توصیه کنیم زندگی خودشان را با ملاحظات طبی، مدیریت کنند.^{۱۹}

۱۹. **ارجاع پرورشی:** نوع سوم را «پیشگیری روزانه» نام‌گذاری کرده‌ایم؛ به این معنا که تمام «افعال روزانه» یک فرد باید دارای «پیوست‌های پیشگیری» باشد. مثلاً آیا «نوع آب خوردن روزانه ما» بر «پیشگیری از بیماری» تأثیر دارد یا خیر؟ ما در طب اسلامی می‌گوییم: اگر کسی شب‌ها ایستاده آب بخورد موجب «زردآب» و «غلبه صفر» می‌شود. یا خنکی شدید آب، موجب «چربی کبد» می‌شود. البته درباره نوشیدن آب، توصیه‌های دیگر هم وجود دارد. نمونه دیگر از کارهای روزانه ما، «لباس» پوشیدن است. آیا می‌توان برای لباس پوشیدن و همین‌طور نسبت به «غذا خوردن» و سایر «کارهای روزانه انسان»، «توصیه‌های پیشگیرانه» متصور شد یا خیر؟ پس ببینید در سطح سوم پیشگیری بر خلاف سطح دوم که به سمت ایجاد ضابطه در روند ساخت و تولید در ساختارها می‌رفتیم، مخاطب ما در اینجا فرد به فرد انسان‌ها هستند. حرف ما در طب اسلامی که بنده از سابق در درس‌ها این را گفته‌ام این است که هر کاری

۴/۴/۲/۱. قرارداد
پیوست طبی و سلامت
برای همه طرح‌ها و
برنامه‌های کشور (مانند:
مسکن، جاده، غذا و...)
معنای پیشگیری ساختاری
از بیماری



۴/۴/۴. پیشگیری از عوامل غریب و ماورائی؛ چهارمین نوع از انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری (طبق دانش انبیاء)

سطح چهارم پیشگیری که در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری مطرح شده است، پیشگیری از عوامل غریب است. متأسفانه عوامل ماورائی بر زندگی انسان تأثیرات سوء دارند. نحوه جلوگیری از این تأثیرات سوء، در سطح چهارم پیشگیری تئوریزه شده است.^{۲۰}

وقتی عرض می‌کنم که ما حاضریم برای فرهنگستان علوم پزشکی کشور و اطبای محترم کشورمان - که مردمان دلسوزی هستند - کلاس‌های طبی برگزار کنیم و دانش طبی و پزشکی این دوستان را ارتقاء دهیم؛ یکی از آن بحث‌ها همین بحث است که ما چهار نوع پیشگیری [از بیماری] مغفول در جامعه‌مان داریم که لازم است دوره‌های آموزشی آن برای جناب آقای دکتر عین‌اللهی و دوستانش گذاشته شود، تا ان‌شاءالله جامعه ما در آینده سالم‌تر از وضعیت فعلی بشود.

که انسان در طول روز انجام می‌دهد، یک "پیوست پیشگیری از بیماری" دارد که متأسفانه دانش این را گسترش ندادیم؛ مثلاً ممکن است در روز به آرایشگاه بروید که خود این کار دارای "پیوست پیشگیری از بیماری" است. یا به عنوان مسئله‌ای که همه انسان‌ها به آن مبتلا هستند، ممکن است در معرض نور خورشید قرار بگیرید. شارع محترم به ما توصیه کرده است که نور خورشید را از روبرو دریافت نکنید و همیشه باید آن را از پشت سر دریافت کنید. امام علیه‌السلام در بیان دلیل این مسئله می‌فرمایند: تابش مستقیم نور خورشید موجب فعال شدن بیماری‌های نهفته در بدن می‌شود و بالعکس (دریافت نور خورشید از پشت سر) موجب "کمون" و "ازین رفتن بیماری‌های انسان" می‌شود. غرض اینکه در بخش سوم باید برای سایر بخش‌های زندگی روزانه هم "توصیه پیشگیرانه" داشته باشیم تا سطح بیماری‌ها کاهش پیدا کند. این عرصه هم صدها مثال دارد و فقط خواستم سرفصل‌های بحث را بگویم.

منبع: حجت‌الاسلام کشوری، گزارش مکتوب تبیین اجمالی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری، بابل‌سر، ۲ آذر ۱۴۰۲

<https://eitaa.com/olgou۶۱۸۴/۴>

۲۰. **ارجاع پرورشی:** جهت مطالعه بیشتر در مورد انواع چهارگانه پیشگیری از بیماری به گزارش مکتوب مدرسه هدایت با عنوان «تبیین اجمالی نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری» مراجعه بفرمایید. در این گزارش به دو سرفصل اصلی پرداخته شده است: سرفصل اول: ناتوانی طب سلولی در پیشگیری از بیماری و ضعف در مفاهیم پزشکی؛ علت طرح نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری. سرفصل دوم: پیشنهاد ۴ دسته تدبیر برای پیشگیری ساختاری از بیماری: پیشگیری از بیماری‌های پایه (مادرزادی)، پیشگیری پیوستاری (پیوست‌های بهداشتی در نظام تولید و ساخت)، رعایت تدابیر روزانه پیشگیری از بیماری توسط افراد، پیشگیری از عوامل غریب بیماری (جلوگیری اختلاط میان زندگی انسان و جن).

جهت دریافت متن کامل این گزارش به آدرس زیر در پیام‌رسان ایتا مراجعه بفرمایید:

<https://eitaa.com/olgou۶۱۸۴/۴>



۴/۵. تحول در مدیریت پایان‌نامه‌ها، الگوی تولید کشور، الگوی توزیع و ساخت بازار، روایت میراث فرهنگی، الگوی پیشگیری از جرم، الگوی تقنین کشور، الگوی امنیت و پدافند غیر عامل، الگوی نخبه‌بانی از نظام؛ بقیه اولویت‌های تمدنی

این چهار تا [امر تحولی] را من توضیح دادم، بقیه موارد را سعی می‌کنم فقط عناوین آنها را برای شما قرائت کنم. [پنجمین تحول،] تحول در مدیریت پایان‌نامه‌ها [است که] لازم است. [ششمین تحول، تحول] در الگوی تولید کشور [است]. هفتمین تحول، تحول در الگوی توزیع و ساخت بازار است؛ ما به شدت نیاز داریم بازارهای رایگان را در اختیار مردم قرار دهیم، تا آن پنج نوع فایده برای ما به ارمغان بیاید.

[هفتمین تحول،] تحول در روایت میراث فرهنگی، [و هشتمین تحول،] تحول در الگوی پیشگیری از جرم، [و نهمین تحول،] تحول در الگوی تقنین کشور، [و دهمین تحول،] تحول در الگوی امنیت و پدافند غیرعامل کشور و آخرین تحول نیز تحول در الگوی نخبه‌بانی از نظام [است]. مکرر من در این سال‌ها عرض کرده‌ام و به حضرت آیت‌الله جنتی نیز پیشنهاد داده‌ام که الگوی جدید نخبه‌بانی از نظام در دستور کار شورای محترم نخبه‌بان قرار بگیرد. سطح فشارها به نظام مبارک اسلامی افزایش پیدا کرده است. ما حتی خودمان را با دو سال پیش هم به لحاظ دشمنی نمی‌توانیم مقایسه کنیم! الگوهای جدید تهاجم علیه نظام و زندگی مردم، توسط دشمن در حال طراحی است. بنابراین منطقی است که الگوی نخبه‌بانی از نظام را هم ارتقاء بدهیم. اینکه فقط به احراز صلاحیت‌ها اکتفا کنیم و عدم تطابق قوانین با شرع را در دستور کار قرار دهیم، این یک الگوی اولیه نخبه‌بانی [از نظام] است. ما حتماً می‌توانیم کارهای دیگری هم [برای ارتقاء] در این حوزه نخبه‌بانی از نظام انجام دهیم. ما باید بعداً در این باره صحبت کنیم.

بنابراین وقتی می‌گوییم می‌خواهیم تمدن بسازیم، پیشنهاد می‌کنیم در این دوازده حوزه، به عنوان نقطه شروع برنامه ریزی کنیم و بحث کنیم.



۵. جمع‌بندی بحث:

عرائض بنده تمام شد. سه نکته را محضر شما عرض کردم: (۱) نقشه جامع تمدن اسلامی یک پایه‌اش استفاده از «روش تحقیق جدید» در مطالعات است. (۲) پایه دوم‌اش این است که حوزه‌های تمدنی را به صورت دقیق مطالعه کنیم، نه اینکه فقط روی بعضی از بخش‌ها تمرکز پیدا کنیم. (۳) بحث سوم هم این است که از مجموع حوزه‌های تمدنی، دوازده تحول اولویت‌دار را در دستور کار خودمان قرار دهیم.

از اینکه عرائض برادر کوچک‌تان را استماع فرمودید، از همه شما تشکر می‌کنم. امیدوارم در جلسات دیگری بتوانیم شرح بیشتری را با موضوع نقشه جامع تمدن اسلامی در اختیار شما قرار دهیم. آخرین جمله من این است که: نقشه جامع تمدنی اسلامی، به لحاظ حل مسئله و دقت، به مراتب پیشرفته‌تر از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است که متأسفانه امروز در کشور ما در حال استفاده از آن هستیم.

والحمدلله رب العالمین




بخشی از متن:

سه نکته را محضر شما عرض کردم: (۱) نقشه جامع تمدن اسلامی یک پایه‌اش استفاده از «روش تحقیق جدید» در مطالعات است. (۲) پایه دوم‌اش این است که حوزه‌های تمدنی را به صورت دقیق مطالعه کنیم، نه اینکه فقط روی بعضی از بخش‌ها تمرکز پیدا کنیم. (۳) بحث سوم هم این است که از مجموع حوزه‌های تمدنی، دوازده تحول اولویت‌دار را در دستور کار خودمان قرار دهیم.

... آخرین جمله من این است که: نقشه جامع تمدنی اسلامی، به لحاظ حل مسئله و دقت، به مراتب پیشرفته‌تر از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است که متأسفانه امروز در کشور ما در حال استفاده از آن هستیم.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه هدایت m-hedayat.blog.ir 

کانال «الگو» در پیام‌رسان ایتا @Olgou 